

سازماندهی

هسته‌های مخفی

با اوج گیری نارمائی توده‌ها و روند سریع آن بسوی مبارزات آشکار و علنی ضرورت تعدید فعالیت نیروهای انقلابی هر روز مبرم‌تر

میعود و گسترش دامنه تبلیغات و سازماندهی توده‌ها ضرورت خود را بهینه بیشتر نشان میدهد . و بر اساس چنین ضرورت عمده‌ای میبایست تمام توان ما در این رابطه بکار گرفته شود و در راه سازماندهی مبارزات و استحکام تشکیلات خود و طبقه و توده‌های مردم بکوشیم . بدون سازماندهی یعنی نظم آگاهانه بختیدن به مبارزات جنبش اسیر حرکت

بقیه در صفحه ۶

دروغ به سیاق خوانین

رهبران رژیم جمهوری اخیر در دروغ یا فسی و تحریف و قلب واقعیت روی گویگر را سفید کرده اند . همواره قریب ترین دولتمردان جهان مانند حکومتمردان رژیم اسلامی کذب تحویل مر دم زحمتکش نمی‌دهند ، کافی است بنیاد مبارزیم آقای نبوی هنگامیکه تحت وزیری منعبر شد و کوچکترین تکه رحمانی گوش بود ، در کمال وقاحت اظهار داشت رحمانی با پای خود بس بیمارستان رفته و وی او را متابعت نیز نمود ده است . و با انبساط خمینی برای سرپوش گذاشتن روی صدف رژیم در نطقی اعظم نمود : که دنیای امروز پر از هواپیدا - ریانی و دردی است ، کشور ما امن ترین است و در آن هیچ خبری از هواپیدا ریانی نیست . این سخنان

بقیه در صفحه ۸

ما چه میخواهیم و برای چه مبارزه میکنیم طرح برنامه

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

صفحه ۱۰

شبهه تعداد مارکسیست - لنینیستی بها می آموزد که در نظام تجزیه و تحلیل و بررسی هر مسئله اجتماعی آن مسئله را در نرس چهارچوب تاریخی اجتماعی مطرح نمائیم موضوعی که شک ما با آن سروکار داریم

اسیونالیسم

و طبقه کارگر

نالیسم و تاثیر سوء آن در انقلاب پروری است . برای درک چگونگی مطالبه مستحق ترین روش آن است که از نالیسم در رابطه با تعلق طبقه‌های آن شعانی واقعی نویسیم . نالیسم بیدار آنها را نشان میدهد

بقیه در صفحه ۲



با تمام توان

تبلیغات انقلابی

را سازمان دهیم!

صفحه ۵

رهنمود و

پیام باهی استار

به دانش آموزان مبارزان انقلابی

دوستان دانش آموز سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز میکنیم که ترویر و سخت و جنایت و ظلم در جامعه میداد میکنند رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی پس از کسب و تصرف قدرت سیاسی روز بروز اقدامات جنایتکارانه‌ای علیه خلق و توده‌های زحمتکش انجام داده است . روز بروز ستاورد

بقیه در صفحه ۱۰

بیروشات اسلامی جمهوری ، ادبیت راجی دمکرا تیکس جمهوری

بررسی تحولات

اجتماعی بلوچستان

و وظایف ما (۴)

صفحه ۳

در این شماره

بیانیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات کردستان ایران

عملیات پیشمرگان قهرمان کورد

اخبار

ناسیونالیسم

داریم و آنگاه تاثیرش را در اقتصاد پرولتری مطرح سازیم و اندکی هم به ناسیونالیسم در رابطه با خلق بلوچ بپردازیم . برای رسیدن باین هدف باید از پدایش جنبشهای بورژوا دمکراتیک و ملی سخن بگوئیم زیرا ملی گرایی و ناسیونالیسم رابطه تنگاتنگی با پدایش طبقه بورژوا و قدرت گیری این طبقه دارد ، در این رابطه مفهومی درست باید از ملت ارائه بدهیم تا ناسیونالیسم که منافع ننگ نظرانه بورژوازی و مرده بورژوازی یک ملت را بیان میدارد روشن گردد .

گروه ملی و ملت

شکل گیری گروههای ملی به دوران زوال نظام اشتراک اولیه برمیگردد ، گروه ملی بک صورت بندی تاریخی است که بدنیاال طایفه و قبیله و همزمان با پدایش مالکیت برده داری نفع میگیرند . چون اقتصاد و همبستگی قبیلهها تنها به روابط خویشی و خویشاوندی بستگی داشت قبیله برای طول زمان زیادی قادر نبود به حیات خود ادامه دهد . همبستگی تکامل روابط اقتصادی اجتماعی که در یک سرزمین مشترک تشکیل شده بودند . اهمیت فراوانی یافتند ، این جوامع افرادی را نیز شامل میشدند که وابستگیهای خویشی و قبیلهای نداشتند .

گروههای زیادی در یک سرزمین میزیستند که به زمان واحد تکلم میکردند و رسومات مشترکی داشتند . این عوامل مشترک وحدت و یگانگی افراد را تقویت نمود . فرهنگ و تصورات و عقاید واحدی را شکل داد ، این روابط به پدایش و تکامل جوامع بزرگی مبتنی بر روابط اقتصاد و فرهنگ مشترک انجامید که به گروه ملی (ملیت) موسوم است . در جوامعی که نظام برده داری را به وجود ندادند تشکیل ملیتها با رشد روابط فتودالی همزمان بوده است .

گروه ملی از ترکیب چندین قبیله و طایفه بوجود آمد . این گروهها جوامعی نسبتاً ست و منززلزل بودند که در برابر تغییر و تحولات از هم تجزیه میشدند و پارههای از آنها متحرک شده بصورت ملت تکامل یافتند ، با پایداری گروههای ملی بعلمت این بود که هنوز اقتصاد ویژه و منحصر بفردی شکل نگرفته بود و فرهنگ مشترک تفاوتها و تناقضات منح و تمییز کننده ای وجود داشت ، میزان مشترک نیز تعداد زیادی لهجه گوناگون را در بر میگرفت .

با پدایش روابط سرمایه داری ملیتها ی موجود درهم ادغام شده و با از بین رفتن پراکندگی فتودالی و ایجاد تمرکز سیاسی بر مبنای وحدت منافع اقتصادی ملت بوجود آمد . سرمایه داری بازارهای ملی را بوجود آورد ، روابط اقتصادی میان نواحی مختلف یک کشور تحکیم گردید و شرایط مساعدی برای ظهور زیان مشترک و فرهنگ ملی بوجود آمد . تصور ملی و مبهم پرستی قوت گرفت . پس ملت ، اجتماع پایداری است از مردم

روابط اقتصادی ، قلمرو ارضی اشتراک زبان امور فرهنگی و ساختار اجتماعی منحصر میشود . ملتها بر مبنای روابط تولید سرمایه داری بوجود آمدند و از این بابت روابط ملی عبارت است از روابط بورژوازی . ملت جامعه ای یکبیت و متجانس نیست و در نظامهای مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و تولید بورژوازی از طبقات متضاد تشکیل شده است . ملت شامل طبقات و اقشار مختلف است ، اما بورژوازی حواء از نظر اقتصادی و حواء از نظر سیاسی در بدو پدایش ملتها نیروی رهبری کننده ملت بود .

پدایش شیوه تولید سرمایه داری و انقلابات بورژوا دمکراتیک :

بهره کشی و استثمار فتودالی مقاومت یکپارچه و همه جانبه دهقانان و پیشه وران را بدنیاال داشت این مقاومتها در پی نهادی که میان اقتصاد کوچک و مستقل تولید کننده و وابستگی وی به ارباب فتودال که دهقانان نیکی از زمان کار با محصول خود را به ارباب فتودال میداد شالوده مبارزه طبقاتی مد فتودالی دهقانان و پیشه وران را تشکیل میداد . اشتیاق و تعابیل این مبارزات عبارت بود از رهائی از مناسبات سوراژ و نعام اشکال وابستگی به ارباب فتودال این مبارزات فقط در شرایط خاصی میتوانست به پیروزی منجر گردد . این شرایط بستگی به رشد نیروهای مولد یعنی تکوین بورژوازی داشت . بورژوازی رسالت و ازگونی فتودالیسم را بعهده گرفت .

در تاریخ جهان در دوران حاکمیت فتودالیسم ، قیامها و مبارزات دهقانی فراوانی شکل گرفته است ، که میتوانیم از قیامهای دهقانان در قرون ۱۳ و ۱۴ در اروپا و جنبش توده ای سال ۱۳۲۰ در هلند و فرانسه جنبش توده ای ایتالیا در سال ۱۲۰۷ - ۱۲۰۵ و جنبش ژاکری در فرانسه ۵۸ - ۱۳۵۷ غوروش وات تایلر در انگلستان نام ببریم ، در مالک آسیایی قیامهای بزرگی نیز صورت گرفت که میتوان قیام های توده ای ایرانیان علیه خلافت بغداد در قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی را نام برد ، قیام نسی سنان دهلی در آغاز قرن چهاردهم و شورشی سال ۱۳۳۲ و قرن پانزدهم در کره و همچنین قیامهای خلق در ژاپن .

قیامهای دهقانی که هدفش بهبود شرایط زندگی بود ، اگرچه به تکامل نیروهای مولده در جامعه فتودالی کمک مینمود اما از تمایلات رهائی عصبی خود و املاک کوچک خویشی از مالیات فتودالی و حق تحصیل مالکیت کامل بر آنها فراتر نمیرفت . این قیامها هدف سرنگونی و ازگونی نظام فتودالی را نداشتند . در دوران انحطاط روابط فتودالی رشد نیروهای مولد بحدی رسید که سبب شد از بلن آن روابط سرمایه داری ظهور کند . دوطبقه جدید در جامعه ظاهر شد سرمایه داری داران (بورژواها) که صاحب وسایل تولید بودند و طبقه کارگر که از وسایل تولید محروم بوده و نیروی کار خودشان را به سرمایه دار میفروختند ، دهقانان و پیشه وران

می پیوستند . اشرافیت و روابط فتودالی حاکم مدی جدی بر سر راه تکامل سرمایه داری بشمار میرفت تضاد نیروهای مولد متکامل با روابط تولید پیوسیده فتودالی هر لحظه عدت میگرفت فتودالها قصد نداشتند تسلیم بورژوازی شوند ، اگرچه توسعه مائونفا کتورها برای آنان نیز پرفایده بود اما از حمایت نظام منفسی قرون وسطانی دست برنمیداشتند . آنها کوشش می نمودند تا از نوآوریهای منفسی مسامت بعمل آورند با روابط سرمایه داری شدت می جنگیدند . توسعه روابط سرمایه داری اربابان فتودال را با وظیفه ایجاد شکل جدید دولت روبرو میساخت مملکت مطلقه فتودالی آن شکلی از دولت بود که بوجود آمد . طبقه فتودال به افزایش سوده کار مالیاتهای دولتی علاقه مند بود . وجود گمرکات عوارض و مالیاتهای سنگین و متعدد محلی وضع مقررات حوسرانه مقامات و زمین داران بزرگ محلی بهرچ و مرج اوزان و مقیاس ها همه اینها مانع تکامل تجارت و تشکیل بازار واحد ملی و استقرار روابط سرمایه داری بود . تنها با از میان رفتن حیات طبقاتی فتودالها و تامین قدرت سیاسی بورژوازی امکان توسعه در راه گسترش شیوه تولید سرمایه داری فراهم می آمد . و این امر نمیتوانست از طریق مسالمت آمیز حل شود . از اینرو سرنگونی نظام سیاسی فتودالی قانون انتخاب نا پذیر تکامل اجتماعی بود .

نامازگاری روابط تولیدی کهنه با رشد نیروهای مولد شالوده انقلاب اجتماعی است . که در نتیجه انقلاب اجتماعی بک صورت بندی اجتماعی - اقتصادی حای خود را به صورت تنه جدید و متکاملتر میدهد . انقلابهای اجتماعی ، بنابر ماهیت و نیروهای محرک و نتایج اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی شان از یکدیگر متمایز میشوند . ماهیت هر انقلاب اجتماعی را نوع تناقضاتی که انقلاب باید حل کند ، تعیین میکند . باید دید چه روابطی جایگزین میشود . انقلابی که موجب نابودی روابط فتودالی شده و روابط بورژوازی را حاکم میگرداند ، انقلابی بورژوازی است . انقلابات آن زمان از این دست بودند . در آن زمان طبقه سرمایه دار در حکم رهبری این انقلابات بورژوا دمکراتیک رسالت نابودی طبقه فتودال و روابط فتودالی و برقراری حیات طبقاتی طبقه بورژوا و برقراری مناسبات سرمایه داری را داشت . این انقلابات که جنبه ملی نیز داشتند از حایت توده ای برخوردار بودند و طوری که لنین ماهیت آنها را در کتاب حق تعیین سرنوشت بازگو میکند به استقرار دولتها ی ملی منجر شدند . لنین دو دوره سرمایه داری را از لحاظ جنبشهای ملی از هم متمایز میکند و دوره اول را بدین گونه جمع بندی مینماید از بک طرف دوره ورختگی فتودالیسم و حکومت مطلقه یعنی دوره بوجود آمدن جامعه بورژوا دمکراتیک و دولت است که در آن جنبشهای ملی برای اولین بار جنبه توده ای به خود میگیرد و جمیع طبقات اهالی را با ناه مختلف از طریق مطبوعات مترکست در مجالس نمایندگی و نس علیهذا به حیات جلب می نماید صفت متحده دوره اول پیداری جنبشهای ملی و نیز مناسبات مبارزه

دهستان نکه‌های شکسته ظروف سفالی به‌شماره شده‌اند. در زیارت یکی دیگر از دعوات سر او - ان غارهایی وجود دارد که در ازمته قدیم محل سکونت بوده‌اند و نیز در مناطق کوهستانی که اینک از رونق کمتری از نظر زندگی برخوردارند ولی هنوز عناصری در آنها زندگی میکنند سنگرهای وجود دارد که بلوچها بوسیله آنها در مقابل ترك و تانارها مقاومت مینموده‌اند. و همچنین آثار ادبی ناچیزی که از بلوچها به یادگار مانده خبر از مقاومت بلوچها در این سرزمین بر علیه هجوم بیگانگان دارد. تمام شواهد و قرائن نشان مینهد که این سرزمین محل سکونت ملیت بلوچ بوده و اینک نیز مباحثه سرزمین مشترک یکی از خصوصیت‌های فوق العاده مهم و اساسی وجود يك ملت است. همانطوریکه میدانیم ملتی در ایران بنام فارس بزرگان فارسی تکلم میکنند و ملتی دیگر در افغانستان به زبان فارسی (دری) نیز صحبت میکنند و یا انگلیسی زبان انگلیس و ملت امریکا که بزرگان امریکا صحبت میکنند و یا ملل عرب که بزرگان عربی صحبت میکنند چون سرزمین مشترک ندارند نمیتوانیم آنها را يك ملت واحد حساب بیاوریم. افرادی که در يك سرزمین زندگی میکنند و به يك زبان واحد تکلم مینمایند باید دارای اقتصاد مشترک و روحیات و خلقیات و فرهنگ مشترک باشند که بلوچها دارای آن مینباشند. می - بینیم بلوچها در چهار متحصه و عزت ملت بودن اشتراك دارند و میتوانند بعنوان يك ملت قلمداد شوند.

این ملت تحت سلطه و ستم اقلیت استعمارگر فارس قرار دارد. آیا این ستم ملی از طرف چه طبقه‌ای صورت میگردد و ابعاد آن چگونه است. آیا کارگران و دهقانان فارس در این ستمگری شریک هستند یا خیر؟ يك تحلیل زمانی میتواند به این مسئله جواب روشن و صریح بدهد که شیوه دیالکتیکی را بکار گرفته باشد و طبقات اجتماعی - ستمگر منحصراً مناسبات بین طبقات و ملیت‌های تحت ستم با طبقه مسلط بازگو شود. بدون تبیین این موارد هرگز قادر نخواهیم شد به مسئله جواب علمی بدهیم. با پیدایش مناسبات بورژوازی درون جامعه فتوئالی، و انحطاط جامعه فتوئالی برای بسط مناسبات کالشی و اتحاد دولتی سرزمین‌هایی که افراد آن به يك زبان تکلم مینمایند، بورژوازی هر ملیت با گردآوری دهقانان و کارگران و سایر زحمتکشان مبارزه‌ای دمکراتیک و ملی را بر علیه حکومت‌های امپراطوری فتوئالی دامن زده و تا تشکیل دولت‌های ملی ادامه دارد. این مبارزات که خلعتی بورژوا دمکراتیک داشته و بمنظور رهائی ملی صورت می‌گرفت و وسیله بورژوازی علیه فتوئالیسم رهبری میشد در عصر و دوران خود مترقی بود. اما بورژوازی از آنجا که بر پایه استعمار فرد از فرد استوار است، نمیتوانست عدالت اجتماعی را برقرار کند و خود به جایگاه طبقات

بقیه در صفحه ۴



بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و

وظایف ما

ست یافته است. زبان مسطح نیروهای مولده و ناچائیکه برآورنده تبادل اقتصادی باشد رشد و تکامل می‌یابد. بعلمت اینکه نیروهای مولد در بلوچستان از رشد چندانی برخوردار نبوده‌اند. زبان نیز مسطح این عقب ماندگی می‌رشد کرده است. اگر امروز بلوچها دارای يك شیوه نگارش خود ویژه نیستند. اگر بلوچها دارای تاریخ مدون و کتب به زبان بلوچی نیستند، علمت همین عقب ماندگی رشد نیروهای مولد بوده است. بهر حال بلوچها دارای زبان مشترکی هستند که بدان تکلم مینمایند و ضعف آن نمیتواند خللی در ملت بودن آنها وارد نماید. عامل مشترک زبان به تنهایی نمیتواند ملت بودن را ثابت نماید. باید در سه خصوصیت دیگر اشتراك وجود داشته باشد سرزمین نیز یکی دیگر از چهار خصوصیتی است که وجود آن بارز است.

قبایل و طوایف بلوچ از روزگاران قدیم در سرزمینی می‌زیسته‌اند که اینک فرزندان آنها در آن زندگی میکنند، گرچه آنها غارت میشده‌اند و عمارات آنها نابود میشده است، گرچه مورد شدیدترین پورهای وحشیانه قرار میگرفتند و خانه و کاشانه و آبادی آنها با خاک یکسان میشد و تعداد زیادی از آنها جان خود را از دست میدادند. اما آنها از نو و دوباره با جدیت بیشتر و مبارزه با طبیعت سرخ بلوچستان اقدام به ساختن آن چیزهایی میکردند که از دست داده بودند. در کنار و با بغا صله چند کیلومتر از آبادی‌های فعلی آنها فراوانی وجود دارد که نشاندهنده خراب شدن وسیله این هموسها و تعلق این سرزمین به بلوچهاست. در بیست کیلومتری ایران شهر روی کوه‌های رودخانه دامن آثاری وجود دارد که متعلق به چند هزار سال پیش مینباشند. این آثار که در محلی باسم "گلا گوران" قلعه کبرها دو طرف دره و در کمربند کوه قرار دارند مثال آثاری از خانه‌های ساخته شده از خاک مینباشند که اینک هر از خاک است. زیر خاک ذغال و سفال و کوزه بدست آمده است. در قلعه کوه آجرهایی به ضخامت ۷ تا ۱۰ سانتیمتر و طول و عرض ۵۰ سانتیمتر نیز یافت میشود. همچنین در کاوشها نیکه اطراف قلعه نیک یکی از روستاهای سراوان انجام گرفته از دل خاک و از زیر تپه‌ها نکه‌های ظروف سفالی بدست آمده است. همچنین در محلی باسم کلاتک پانینتر از آبیچ محلی در سراوان روی دست وسیعی با اندازه يك

قبل از فتح بلوچستان و بوجود آمدن حکومت متمرکز فتوئالی در سرانسر ایران لشکریان حکومت‌های وقت گاه و بیگاه بلوچستان را مورد تاخت و تاز قرار میدادند و مال و منال و ثروت قبایل بلوچ را بغارت میبردند. اما لشکریان رضا شاه بلوچستان را فتح کرده و برای همیشه آنها ماندگار شدند. آنها تنها برای بز و کوفتد نیامده بودند، آنها تنها برای گندم و میوه و طلا نیامده بودند بلکه آغل و باغ و خانه‌ها را تصاحب نمودند، ارتش و بوروکراسی اداره همه چیز را در دست گرفت. مقادیر قابل توجهی از حاصلخیزترین زمینها بعنوان حاصلخیزات به دربار اختصاص یافت و مقدار بیشتری را تجار و صاحب منعیان بخود اختصاص دادند. حق حاکمیت و مالکیت خلق بلوچ بر سرزمینها بجز نادیده گرفته شد و بفر هرگونه حرکتش سرکوب گردید. بطوریکه حدودهها هزار نفر ترك وطن نمودند.

همانطور که در بحث‌های قبل دیدیم در مقابل مهاجم مقاومتی جدی از سوی نوده‌ها صورت نگرفت و نیروهای دوست محمد خان حائین مفتحانه شکست خورده و بلوچستان به پیکاره سقوط نمود. حال قبل از اینکه مبارزات ملی و ملت‌ضعف این مبارزات را بررسی کنیم خالی از اهمیت نخواهد بود چنانچه روشن نمائیم که آیا مردم بلوچ را بعنوان يك ملت مینشاهیم؟

ملت اشتراك پایداری از افراد است که در چهار خصوصیت زبان سرزمین، اقتصاد، روحیات و خلقیات مشترک باشند. قبایل و طوایف بطور مجزا نمیتوانند عنوان ملت را بر خود بنهند. این طوایف و قبایل بصورت گروه‌های ملی ظاهر شدند. این گروه‌های ملی در روند تکامل اجتماعی خود و در پی نزدیکی چندین طبقه و قبیله ملیت‌ها را تشکیل دادند. گروه‌های ملی در اولیسن صورتی اجتماعی بوجود آمده در برده‌داری و فتوئالیسم قوام یافتند و با پیدایش شیوه تولید سرمایه‌داری ملت نیز بمعنوم امروزی و سرمایه‌داری آن بوجود آمد.

زبان مهمترین وسیله است برای رفع حوائج و برآوردن نیازهای اقتصادی - سیاسی حقوقی، برای اینکه نیازهای فعلی مبادله سرمایه‌داری برآورده شود احتیاج به زبان مشترک و تکامل آن مینباشد. ملت بلوچ برای رفع نیازهای فوق الذکر خود، در روند تکاملی و نزدیک شدن دست‌ها و طوایف و قبایل در طول تاریخ خود به زبان مشترکی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

پورسی ♦♦ بقیه از صفحه ۲

استثمارگر قبلی نیست، بورژوازی سرمای مدور و فروش کالاهاى خود احتیاج به بازار خارجى علاوه بر بازارهاى داخلی داشت و برای بستى باى به بازارهاى جدید بستى به شتگرى ملی و گنايش بازارهاى در سطح بین المللى زد. تولید کالائى و صدور کالا خصوصیت ذاتى سرمایه داری میباشد که مدور کالا در زمان سرمایه داری زقايت آزاد صورت میگرفت. سرمایه داری با رشد و تبدیل خود به امپریالیسم آخرین مدارج تکاملسى را طی نمود. امپریالیسم عبارتست از آخرین مرحله سرمایه داری یعنی دوران گنبدگسى و احتکار سرمایه داری. در مرحله امپریالیسم بحای مدور کالا خود سرمایه به کشورهای دیگر برای فتح بازارهاى آنها صادر میگردد، امپریالیسم برای در دستگیرى اقتصاد آن کشور، دولت و روئناى سیاسى را نیز باید در اختیار خود قرار دهد. که طبقات حاکمه اصلی ترین پایگاه امپریالیسم محسوب میشوند در چنین کشورهاى که فتودالها پایگاه امپریالیسم بوده اند، بورژوازی ملی بر علیه امپریالیسم و پایگاه اجتماعى آن بست به مبارزاتى برای رهائى از ستم ملى زده است. اما بورژوازی در مبارزه خود منززل است و نمیتواند این مبارزات را به سرانجام برساند. از زمانیکه پرولتاریا بر تشارک دوران نشسته و عمر به عمر انقلابات پرولترى و میرندگى سرمایه داری تغییر یافته برای رهائى ملی فقط آن مبارزاتى به پیروزى خواهند رسید که مهر نشان پرولتاریا را داشته باشند، در کشورهای سرمایه داری و بسته که سرمایه داران پایگاه اجتماعى امپریالیسم میباشد بورژوازی به مدار جهانی سرمایه وارد شده و هیچ انگیزه مبارزه برای رهائى ملی بنابه خلست عملکرد سرمایه نمیتواند داشته باشد. و در کتورى مانند ایران که مناسبات سرمایه داری حاکم است و این سرمایه به امپریالیسم وابسته است و طبقه مسلط بورژوازی میباشد. شتگرى ملی نیز از کاتال همین بورژوازی که متعلق به ملیت فارس میباشد و همچنین امپریالیسم اعمال میشود بورژوازی سایر ملیتها نیز منافعى مشترک با این بورژوازی را داشته و بنابه یک طبقه سرتاسرى عمل میکنند. بورژوازی ملت حاکم بر خلق بلوچ شتگرى ملی میکند و این شتگرى از کاتال بقایاى خوانین، بورژوازی تجار بلوچ و خرده بوروکراتهاى بلوچ و دستگاه عریض و طویل بوروکراسى اعمال و بوسیله نیروهاى سرکوبگر پاسداری میشود. بورژوازی بوروکرات کشور در بلوچستان در ارتباطى تنگاتنگ خرده بوروکراتهاى بلوچ را پرورش داد که اینها در واقع نوکر و کارگزارانى در جهت هموار کردن شتگرى ملی هستند، این خرده بوروکراتها در دستگاه ادارى نظامسى آموزشی وجود دارند و با بورژوازی فارس و بورژوازی بلوچ در پیوندى تنگاتنگ قرار دارند. خوانین نیز در پروسه در طبقات

شتگر سرتاسرى استعاله یافته و جزئى از آن گشته اند. کارگران و زحمتکشان فارس زندگسى مشابهى با زحمتکشان بلوچ دارند و بهمان شیوه و طریق که زحمتکشان بلوچ مورد اجاف و ستم قرار میگیرند عزیز ستم و استعمار هستند. کارگران و زحمتکشان فارس نمیتوانند بر زحمتکشان بلوچ شتگرى کنند و این ستم از سوى بورژوازی حاکم اعمال میشود. زحمتکشان بلوچ در مقابل ستم طبقاتى خود یعنی بورژوازی حاکم قرار دارند. و زحمتکشان فارس متحدان آنها بوده و رهبرى طبقه کارگر تنها راه نجات میباشد. نابودى بورژوازی تجارى و دلال و بوروکرات در منطقه که اینک جزئى از طبقه بورژوازی سرتاسرى است هم معنی طبقاتى پیدا میکند و هم معنی رهائى ملی است. سرمایه بورژوازی فارس و بلوچ آفتقر باهم ارتباط و یگانگى دارند که سرمایه داران فارس بدون وجود پایگاهشان در منطقه قنار به حیات نیستند و نابودى این دو عدا انقلاب و ارتجاع در ارتباط با هم و همزمان خواهد بود، بطور کلى این دو تفکىک ناپذیر بوده و دارای منافع واحد و مشترکى هستند. فقرى لباس و زبان نمیتواند برای این عدا انقلابیون تغادى بنیادى باشد. هستند سرمایه داران بلوچى که در تغاد با بورژوازی حاکم قرار دارند و کار آنها به زد و خورد و کشت و کفتار و گاهى سازش و همکاری کشیده است. این سرمایه داران که با قاجاى فروش مسروف هستند، تغاد و اختلاف آنها بر سر شتگرى ملی نیست و اختلاف آنها بر سر نوع سرمایه و کسب سود میباشد سرمایه داران حاکم که تولید را در دست دارند راضى نیستند که کالاهاى دیگر بوسیله افراد دیگر وارد بازار گردد و سودى را که نصیب آنها میشود بخود اختصاص دهند. قاجاى فروشان با سرمایه هاى انگلى خود که کالاها را از کشورهای خارجى بدون پرداخت گمرکات دولتى وارد میکنند و از این طریق سودهاى بیشترى بصورت غیر قانونى (البته قانون سرمایه داری) نصیب خود میکنند با سرمایه داران حاکم اختلاف دارند. این اختلاف هیچ همبندى به فارس و بلوچ بودن ندارد چرا که سرمایه هاى سرگردان و انگلى قاجاى فروشان نیز در نوبت خود ملیت نمى ناسند. قاجاى فروشان بلوچ و افغان و پاکستانى و فارس در باندهاى بزرگ با هم متحد هستند. اما زحمتکشان فارس از يك امتیاز برخوردار هستند و آنها وجود امکانهاى از قبیل موات آموزشی و خدمات عمومى بیمارستان ها وجود کارخانه در مناطقى مانند اصفهان و کرمان و تهران و یا اسفالت و عمران و آبادیهاى بیشتر، که این هم به وسیله بورژوازی تأمین شده و هم با این دلیل است که سرمایه هرکجا برای حرکت فرآمدنش شرایط مناسبترى فراهم باشد عمل خواهد نمود و زحمتکشان ملت حاکم از سودهاى حاصله از غارت زحمتکشان سایر ملل در هیئت وجود، پارک عماده اسفالت، بیمارستان، مدرسه، دانشگاه، بهره مند خواهد شد که این بهره -

مندی هیچ تاثيرى در استعمار نندش ندارد. زحمتکشان ملت حاکم بشدت تحت ستم و استعمار قرار دارند و بشدت سرکوب نیز میشوند به آمار و ارقام شهادت و کتفه سخن مبارزان سالهاى گذشته توجه کنیم. دیدگاهی که معتقد به استعمار ملت از ملت باشد و جنبه طبقاتى آنها نادیده گیرد، و از اینجا اینطور نتیجه بگیرد که " ما بدون فارسها " و همه فارسها را يك کاسه کرده آنها را از بلوچستان احسراج نماید جز يك روپاى ارتجاعى - ناسیونالیستى کور عقب مانده نمى تواند باشد چنین دیدگاهی یا م - ل آشتى ناپذیر است. مارکسیسم - لنینیسم حق تعیین سرنوشت را جهت کامل شدن مناسبات کالائى و دمکراسى و رفع عقب ماندگىهاى اقتصادى سیاسى برسمیت مى نشاند، تا هر گونه مانعى از جلوى تکوین مبارزه طبقاتى برداشته شود. مارکسیسم مخالف هرگونه شتگرى است. ملیتها باید اجازه داشته باشند سرنوشت خود را تعیین کنند برای مارکسیسم آنچه بزرگى که در درجه اول اهمیت قرار دارد، وسط مبارزه طبقاتى کامل شدن دمکراسى و کامل شدن تولید کالائى و فراهم آمدن شرایط گذار به سوسیالیسم در مورد ملتهاى تحت ستم است. مبارزه ملی و ملیت معافى بورژوازی اند، در تمام جهان وقتیکه مبارزه سرمایه داری بر علیه فتودالیسم کامیاب شده است جنبشهاى ملی نیز وجود داشته اند. جنبشهاى ملی عموماً بر پایه مادى این موضوع تشکیل شده اند که برای پیروزى کامل تولید کالائى بازار داخلی بىست بورژوازی تسخیر گردد، و اتحاد دولتى سرزمینهاى که بر آنها به يك زبان واحد تکلم میشود به مرحله عمل درآید. و هر نوع مانعى از سر راه تکامل این زبان و تعکیم آن در ادبیات برداشته شود. مارکسیسم به مسائل برخورد تاریخى دارد و آنها را در شرایط پیدایش و مطرح بودن آنها ارزیابى میکند و جنبشهاى ملى را در دوره اى از سرمایه داری بطور جداگانه مورد بررسی قرار میدهد. این دو دوره عبا - رتند از يك دوره ورشکستگى فتودالیسم و حکومت مطلقه یعنی دوره اى که جامعه بورژوا - دمکراتیک و دولت آن بوجود آمد. در این دوران جنبش ملی جنبه توده اى بخود میگیرد. بورژوازی برای اختصاص بازار داخلی بست به مبارزه بر علیه موانع ملی میزنند و جمیع طبقات اهالى را به اتحاد مختلف به حیات جلب میکنند. دوره دوم، دولتهاى سرمایه داری کاملاً صورت پذیرفته و رژیم سرمایه داری منتهاست که برقرار گردیده است، و تغاد آشتى ناپذیر بین پرولتاریا و بورژوازی بىست عدت یافته است و سرمایه داری به آستان ورشکستگى رسیده است. در این دوران جنبشهاى توده اى بورژوا دمکراتیک نقصان میباشد سرمایه داری تکامل یافته و ملتها بهم نزدیک شده در هم مخلوط شده اند. سرمایه در سطح بین الملى به هم آمیخته شده است و جنبش بین الملى کارگران

رفقا با تمام توان...

وضعیت یعنی حاکم بر توده‌های بلوچ حکم می‌کند که هرچه بیشتر و بهتر در جهت بسیاری رساندن به شناخت واقعی از نظام سرمایه‌داری و حکومت مفاک جمهوری اسلامی آنها را بسیاری همیم. وضعیتی که معلولان سالها پایرجایی حکومتی‌های دیکتاتور و دستگیر بوده است سالیان درازی است که ناآگاهی مبهمل و عرافات بر نعنیت توده‌ها حاکم بوده و زودن این تفکرات و رسومات کهنه مثنی و عادات پوسیده کار بس عظیم و سترگی را از جانب پیمانها خلی خلق بلوچ می‌طلبید. هیچوقت توده‌های خلق بلوچ و روشنفکران انقلابیسی زندگی سیاسی مدت‌داری را تجربه نکرده‌اند. بنا بر همین وضعیت و علل اقتصادی ریشه‌دار است که با فقدان حرکت لازم و سراسری خلق بلوچ با حرکات سراسری سایر خلقهای ایران به رژیم وابسته شاه مواجه بودیم. دوران انقلابی حاضر و تعدید تناها در کل جامعه و بالطبع تعدید مبارزه طبقاتی در سراسر ایران تاثیر بسیار مطلوبی بر جو کلیسی بلوچستان بجا گذاشت موی که در ادامه خود میرفت تا با سیاسی عدن اکثریت زحمتکشان بلوچ آنها بتوانند نقش واقعی و دوران ساز خود را در لفظی دیگر و مقلی دگراز تاریخ مبارزات خلقها ایفا کنند. سرنگونی رژیم شاه دنیا جدیدی پروری زحمتکشان بلوچ گنود و باعث شور و غوی زاید الوصفی در بین توده‌ها بطور اعم و در بین روشنفکران بلوچ بطور اخص عد. ولی حکام بقدرت رسیده و میوه چنجان انقلاب و عملکرد بغایت ارتجایی آنها از بسدو تصرف قدرت سیاسی و افتای ماهیت خدردسی آنها در جریان و حوادثی چون سرکوب خلق کرد، ترکمن و ۰۰۰ باعث شد تا توده‌های بلوچ بخود آیند. توده‌های بلوچ گرچه به حکومت روحا نیون اعتمادی نداغتنند و تراویل کل گیری آن نسبت به آن بی اعتنا بودند قیام و فضای باز ایجاد شده در دو سال اول بعد از سرنگونی رژیم شاه و فعالیت‌های وسیع انقلابی بافتارگانه تاثیر و وسیع همه جانبه بر زندگی و نعنیت توده‌ها بجا گذاشت. توده‌های بلوچ برای اولین بسیار مرفتند که سیاست و زندگی سیاسی را تجربه کنند. از تحولات درس بیاموزند. بیینگی و آگاهی خود را بطور دم افزونی ارتقاء دهند. شکل گیری سازمان‌های سیاسی در بلوچستان و رشد و گسترش و تقاوم وسیع انقلاب باعث شد که بهترین و آگاهترین افتار خلق جوانان هدانفر آموزان و کارمندانها تنجویان بسوی سیاست و مبارزه روی بیاورند. استقبال وسیع توده‌های بلوچ از نحوه فعالیت سیاسی و گرایشی سابقه توده‌ها به امر مبارزه و یادگیری درس انقلاب و حمایت فعال خلق بلوچ از حرکات انقلابی خلق کرد و ترکمن، بلوچستان را در زمره کلی از گانوشهای ملتیب و جوان بدل ساخته بود و به همین خاطر بلوچستان از طرف حاکمیت ارتجایی در زمره استانهای عمده میشد که باید به آن توجه خاصی مبذول داشت. توجهی که رژیم برای حفظ و ثبات و امنیت حکومتش به آن احتیاج داشت و ما این توجه را در گسترش

پایگاه‌های ضدانقلابی (پاسدار خانه، کمیته و ۰۰۰) و گسیل مزدوران رژیم از اقصی نقاط ایران به این خطه، اختتامی دادن بوجه‌های هنگفت برای مقاصد نظامی مثل کهنیدن بسک جاده سراسری صرفا مرز شاهدیم. علل اصلی که باعث شد نیروهای انقلابی بیوز، عسج فسخ ۱ در این منطقه از اعتبار و نفوذ و حیثیت توده‌های برخوردار گردد، اولاً نیاز و عطش عدیدی که خلق بلوچ در جهت آگاهی سیاسی از خود نشان میداد و ثانیاً سابقه درختان مبارزاتی و محت نظرات چنجا. از همان اوایل قیام ۲۲ بهمن از سوی هواداران این سازمان فعالیت وسیعی شروع شد که البته با توجه به جوان بودن جنبش کمونیستی و زمینهای پیبوند مادی منجیبی که در این منطقه ریشه در سنتهای دیرین مردم دارد، باعث شد که از همان ابتدا به اهمیت تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبتنا به اولین وظیفه کمونیستی و سازمان کمونیستی بهای لازم و مکفی داده نشود. البته در اینجا منظور از تبلیغ انتشار و پغن نشریات و اورای تبلیغاتی با کیفیت و کمیت موجود نیست، زیرا که در این زمینه هواداران سازمان با انتشار نشریه محلی با مثنی اثنار و هزاران اعلامیه و تمام آثار سازمان و نشر صفا جلد کتاب کار بس عظیمی را انجام داده و می‌نهند. بلکه منظور تبلیغی اصولی بسا برنامه معدنی منحص و در شرایط تاریخی منحص باعث. که در این زمینه کم و کاستی‌هایی مشاهده میشود. آن کار سیاسی، روشنگرانه است که نهن توده‌ها را از رسوبات ارتجایی و اسپرگرایانه پاکسازی کنند و تربیت سیاسی توده‌ها را باعث خود و این خود مستلزم کار بیگیر انقلابی تحت هر شرایطی میباشد. بهرورد از طرف دیگر صدا انقلاب حاکم از مدرنترین وسایل ارتباط جمعی در جهت تحمیل و فریب توده‌ها استفاده میکرد و می‌کند. کلیه روزنامه‌ها، مژلوویزیون مرادبو و سایر ابزار و وسایلی که رژیم در جهت منخ اندیشه‌ها و ایده‌های انقلابی با یخن سوم بر افغان توده‌ها استفاده میکرد. در چنین شرایطی و تحت چنین آتمسفری تبلیغ و ترویج ایده‌های انقلابی میتواند به موقع به صاف بالانلا. ثلاث جیل و عرافات برود. تبلیغ باید همیشه آن چیزی را بیان کند که خواست و آرزوی توده‌هاست، تبلیغ باید انعکاس واقعی منافع آنها باشد. تبلیغ به موقع و درست عوامفریبی بورژوازی را افناوروا سیازد. زحمتکشان بلوچ مانند سایر هموطنان خود بسند از رژیم و عواممل مزدوری بیزار و متنفر هستند. رژیم فرمانده دارای کترین پایگاه اجتماعی در بلوچستان میباشد. اما این تنفر و بیزاراری متکسی بر شناخت صحیح و واقعی از ماهیت سرمایه دارانه و درنده‌خوی جمهوری اسلامی نیست بلکه آنها بصورت غریزی از اقدامات ارتجا. می رژیم متنفرند. اما بسیار مشکل و طولانی خواهد بود، از درک غریزی به شعور سیاسی ارتقا یابند و این یگانه کار باشد توسط پیشرو سازماندهی و بکار گرفته شود. باید نعنیت نارس و خام آنها را به نعنی فعال و پویا ارتقا داد. این میر نیست مگر از طریق کار انقلابی و این امکانپذیر نیست مگر از طریق پیبوند با توده‌ها و

بدانیم توده‌ها چه میخواهند. چه میگویند از چه کسی نفرت دارند؟ آیا دوست را از دشمن باز می‌شناختند و هزاران سوال دیگر که باید بطور میورانه به آنها گونزد کرد اصل مسلم در همین جاست. امروز که پیشبرد هرگونه اقدام انقلابی و فعالیت انقلابی فداکاری و جانبازی را می‌طلبد باید که بتوانیم با از جان مایه گذاشتن این کار مهم را انجام دهیم. واقعیتی است درناک که توده‌های بلوچ هنوز بطور کامل اهداف ما را نمی‌شناختند. با سوسیا لیم بیگانه اند هنوز اشکال ساده زندگی سیاسی را تجربه نکرده‌اند. مشکلات توانفرمای اقتصادی و اجتماعی آنها را زیر فشار خود خرد کرده است. آنها از وضعیت موجود بیزارند. دلان میخواهد وضعیت مطلوب خود را بدست آورند. تفراسی ما درک این مطلب و رهبری آگاهانه آنها به سر منزل مقصود میباشد. ما باید انعان توده‌ها را برای سرنگونی رژیم و برقراری یک نظام دمکراتیک روشن سازیم. ترفقا هنوز دنیایی کار عقب مانده در بلوچستان و سیستان وجود دارد. کارهایی که حتی طاقت فرسا هستند. چون نمی‌گذارند ما به آسانی یا توده‌ها صحبت کنیم. زبانمان را می‌برند، قلبهایمان را شناکها پاره می‌کنند. به زندانمان می‌افکنند. به گلوله‌مان می‌بندند. زیرا نظم مطلوب بورژوازی با هر حرکت انقلابی ما خنده دار میشود. رفقا فعالیتان باید از حد موجود صفا بار فراتر رود. باید حول مسئله ملی در بلوچستان زیاد و زیاد صحبت کرد و عمل نمود. مسلم گذار از حرب عمل شرط صداقت است. حول مسئله زنان که چه سنتی می‌کنند صتم صاعف صتم حاصله از اجافات رژیم صتم حاصله از جامعه رسالاری. باید سلاح برنده آگاهی را در میان زنان محروم افاده داد. تبلیغات فراوان حول مسئله خوانین، این آسادی مزدور امپریالیسم جای ویژه‌ای باید در تبلیغات ما باز کند. با توجه به شناختی که توده‌ها از عملکرد ضد انسانی این مزدوران در دوران حکومت شاه و حینی دارند باید ماهیت واقعی آنها را باز هم بیشتر و ملموس تر برای توده‌ها بازگو نمود. باید حول مسایلی مانند رابطه خوانین صدانقلاب با امپریالیسم سلطنت‌طلبان و خروج مرتجع عرب و توطئه آنها علیه نیروهای واقعا انقلابی باز هم بیشتر به تبلیغ پرداخت. باید جنگی عظیم سرعایه تفکرات ارتجایی، فئودالی که ناشی از عدم رشد نیروهای مولده و نعنیت عقب مانده میباشد آغاز نمود. باید با تبلیغ و بست گذاشتن روی نکات برجسته و پویای فرهنگ خلق بلوچ و پیبوند زدن آن بسا عالیترین بینشها از خودبینگی و احساس تقفیر را نابود کرد. عمده‌ترین واسا سترین وظیفه ما آگاه کردن توده‌ها پبیرامون ماهیت سرمایه دارانه رژیم و نظام پیرامون داری و نفی دیاکتیکی این نظام رجا بگزینی نظم اجتماعی نوین جمهوری دمکراتیک خلق میباشد. مگر نه اینکه انتشار و سرکوب، خفتان و اختناق، ترور و اعدام اعمال شده توسط رژیم جمهوری اسلامی جهت منافع سرمایه داران و زمینداران و در راه تسریع

سازماندهی ... بقیه از صفحه ۱

خوب بودی و تابع سیر حوادث خواهد بود. مهم-ترین وظیفه ما در این راستا سازماندهی طبقه کارگر است و ایجاد هسته‌های سرخ کار-گری در حیاتی‌ترین رشته صنایع و کارخانجات این هسته‌ها صرفاً از کارگران مارکسیست-لنینیست هوادار سازمان تشکیل می‌شود. آنچه در این رابطه باید گفت اینست که هرگز در دوران سرمایه‌داری زمانی تقریباً همه طبقه یا مطلقاً همه طبقه نمی‌توانند تا درجه آگاهی و فعالیت بیعتازان خود ارتقاء یابند همیشه و بخصوص در دوره‌های اعتدالی و کار معنی باید این مسئله را بخوبی در نظر داشت و تصور نکرد که لزوماً کارگر بودن بمعنای قبول برنامه‌های پیغمرو است یا ترک و آگاهی و نهنیت تمام طبقه یکسان رشد نموده است و نباید سسته پیدتاز طبقه کارگر را با تمام طبقه مخلوط کرد. البته کلیه طبقه باید زیر رهبری پیدتاز قرار گیرد اما درجه نزدیکی افراد به پیدتاز دقیقاً به درجه آگاهی و فعالیت افراد بستگی دارد پیغمروترین آنان که به ترک مارکسیسم رسیده و هوادار سازمان هستند و فعال و آگاه آماده حرکت انقلابی و تمکک پذیری هستند باید در هسته‌های سرخ کارخانه متدکل شوند اما آیا طبقه طبقه که به چنین ترکی فائل ندهده انداز جنبی کنار میمانند؟ مسلماً چنین نباید باشد و این بمعنای دور کردن از کار و عدم حرکت در جنبی نیست. یکی از وظایف هسته سرخ کار-خانه با رفقای هوادار تدکل این بخش از کارگران در کمیته‌های معنی اعتصاب است که برای پیغمرد و رهبری امر مبارزه روزمره و برپائی اعتصاب عمومی سیاسی به مثابه پیغمرد آمد قیام سلحمانه عمل می‌کند از آنجا که اینبار رهبری توده‌ها برای پیغمروزی - قطعی در انقلاب بست طبقه کارگر است و طبقه هسته‌های سرخ کارخانه و کمیته‌های معنی اعتصاب سنگین تر و اساسی تر می‌باشد.

کمیته‌های معنی اعتصاب تنها در کارخانه‌ها نیست که شکل می‌گیرد باید در هر کجا که امکان و چشم انداز شکل گیری اعتصاب وجود دارد کمیته‌های اعتصاب را پدید آورد. کمیته‌های اعتصاب باید ابتدا بطور مخفیانه و از آگاهترین و پیشروترین نیروها فرکار-خانه‌ها ادارات مدارس موسسات و تدکلیل گردد. این کمیته‌ها وظیفه ارتباط با کمیته‌های اعتصاب در کارخانه‌ها و موسسات دیگر بمنظور هماهنگ کردن فعالیتها، طرح خواستها، برنامهریزی هدایت و رهبری اعتصاب را برعهده خواهند داشت. کمیته‌های اعتصاب در همه جا باید بر وسیعترین بخش توده‌ها متکی باشد.

در مواردی که امکان ارتباط مستقیم با تدکیلات را نداریم باید بطاهر داشت که ابتدا به تدکل خود بیشتر بها داده و هسته -

های سرخ را در دستور کار خود قرار می‌دهیم علاوه بر هسته‌های سرخ کارخانه در هر کجای دیگری که هستیم می‌توانیم با هواداران فعال سازمان این هسته‌ها را ایجاد کنیم. این هسته‌ها بسته به محدوده فعالیتشان وظیفه تطبیق تاکتیکهای سازمان را با شرایط منطقه و محل پیغمرد داشته و پیغمرد نظرات و مواضع خط و مشی و شعارهای سازمان را منطبق با شرایط محلی عمده‌دار می‌شوند و نقطه نظرات سازمان را بزبان منطقه و محدوده خود ترجمه می‌کنند و به تبلیغ ایده قیام سلحمانه و برپائی اعتصاب عمومی سیاسی می‌پردازند. در مبارزات روزمره حرکت فعال کرده و در نظم آگاهانه بخشیدن به آن و ارتقاء سطح مبارزات حرکت می‌کنند. برنامه عمل سازمان را وسیعاً بمیان توده‌ها می‌برند. از دیگر وظایف هسته کوشش در راه ارتباط با دیگر بخشهای مبارزه و هسته‌های سرخ دیگر است و در صورت امکان فعالیت مشترک و ایجاد مرکزیت واحد و هماهنگی کامل بمنظور جلوگیری از پراکنده کاریست. و بدون مسائل و اهداف طبقه کارگر همی-دان سایر زحمتکشان و پیوند مبارزه آنان با جنبی طبقه کارگر.

پوسته باید ضرورت رهبری پرولتاریا را در انقلاب بارها و بارها گویند کرد. علاوه بر تبلیغ و ترویج نظرات سازمان و اشاعه اندیشه‌های مارکسیستی و پیغمرد نظرات آلترناتیو کارگر-هسته سرخ در ارتباط با جنبی توده‌های باید به تشکیل کمیته‌های معنی مقاومت بپردازد. ربا بهره‌گیری از امکانات تکثیر و تدریس در کمیته‌های معنی تاشیپر گذاشته تحت نظرات سازمان را در عمل به توده‌ها نشان دهیست.

در این رابطه با تقسیم کار بین خود مسئولیت تشکیل این کمیته‌ها را به یک یا چند نفر از اعضای هسته می‌دهند

کمیته‌های معنی مقاومت

کمیته معنی مقاومت بمنظور رهبری و هدایت مبارزه روزمره توده‌ها و هدایت قیام سلحمانه در محلات، پادگانها، مدارس، مدارس و در هر کجا که توده‌ها هستند بوجود می‌آید در منقطع قیام بهمین ماه هر چند شکل نظفای اما انواع مختلف این کمیته‌ها بدکلی خودانگیخته از سوی توده‌ها ایجاد شد اما اشکال خود انگیخته سازمانی بی‌در چهارچوب تنگ مبارزات خود بخودی باقی میمانند و نمی‌توانند دوره‌هاک مختلف مبارزه و هدف نهائی آزاد در نظر داشته باشند و بشکلی سراسری و هماهنگ رهبرک مبارزات را برعهده بگیرند. تنها بامهره گیری از مبارزات گذشته و درک از زمینه‌هاک موجود مبارزه طمقانی و بزرگنهای در محل و هر دررات و هر حدی می‌تواند به مبارزات نظی آگاهیانه بخشید.

با چنین درکی کمیته‌هاک معنی معنی و معنی معنوات یکی از اشکال سازماندهی و مناسب ترین آن در شرایط حاضر می‌شود

زیرا هسته معنی مقاومت آنقدر انعطاف پذیر است که حتی می‌تواند در بین اعضا خانواده ایجاد شود. و بعلمت خلعت دمکراتیک‌ها کم-پرو آن قدر جذب بخش عظیم و وسیعی از توده‌های مردم را دارا باشد. این کمیته‌ها دارای ماهیتی دمکراتیک هستند و بنابه ماهیت دموکراتیکشان روابط خاص خود را دارند و بنابراین هر فرد انقلابی یا راسته به سبک جریان انقلابی می‌تواند با پذیرش برنامه این کمیته در آن عضویت داشته باشد. این کمیته‌ها باید به تبلیغ اهداف و مقاصد جنبی بپردازند و نه تبلیغ اهداف و مقاصد یک جریان سیاسی مشخص. هواداران سازمان باید در این کمیته‌ها ضمن پیغمرد برنامه کمیته در عرصه عمل در درون کمیته‌ها به تبلیغ و ترویج مواضع سازمان پرداخته و توده‌ها و اعضای این کمیته‌ها را به این امر آگاه نمایند که یگانگی برنامه عمل انقلابی در شرایط کنونی برنامه عمل سازمان پرولتاریای فدائی ایران میباشد. توده‌ها را باید حول این برنامه عمل سازماندهی نمود. عناصر و افراد مبارز که به ضرورت مبارزه با رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی پی برده و حاضر به حرکت و عمل در این راستا باشند می‌توانند در این کمیته‌ها عضو شوند. بطاهر مسائل امنیتی تعداد این اعضا نباید از ۵ نفر بیشتر باشد و همچنین از ۳ نفر نباید کمتر باشند زیرا کیفیت کار پائین می‌آید. هر عضو باید از نظر امنیتی مورد اعتماد باشد این مسئله بسیار جدی است و هرگونه سهل انگاری در این زمینه عواقب ویدی خواهد داشت. بطاهر نداننده باید ما نمی‌خواهیم چون شباهی رودگذر یکبار به بدرخشید و ما می‌خواهیم آتش باقیم در گریبان رژیم سفاک معینی و امپریالیسم همیشه و هر روز آنقدر که چاره ناپذیر باشیم لذا آنچه برای ما مهم است ادامه کاریست و برای ادامه کاری و سهیل امور در شرایط مخفان و دیکناتور معنی کاری لزوم مدرمد دارد. اولاً گزینی جوانان و پیغمرد تدکیلات کمیته‌ها عامل ضربه‌پذیری را افزایش میدهد و دوماً کیفیت کار عمده‌تر از تعداد و کیفیت افراد است. بهین خاطر ارتباطات زیاد را باید حذف کرد. قبل از آنکه کسی یا افرادی را بخوبی ندانسته‌اید و از نظرات و پتانسیل انقلابی آنان ارزیابی درستی بعمل نیاورده‌اید با آنان از تصمیمات خود حتی بمسئان نیاورید و رابطه‌ای نگذرد و به برنامه‌ها آنها نداننده باشید. با بروز مختصر نمایی آنها را در جریان همه امور پنهان خود نگذارید و هر فرد حتی الامکان باید تعداد کمتری از افراد را بشناسد. هر شکلی از زندگی و مبارزه و رابطه بین افراد - تدکیلات باید پوشش مناسب داشته باشد و در مقوله روابط معمول جامعه بگنجد. منسلا رابطه تدکیلاتی در پوشش

بقیه در صفحه ۲

کمیته‌های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

سازماندهی... بقیه از صفحه ۶

رابطه بین دو نامیل مذاکره و استاد، دو همکار، دو همکار و ... کسانی را که آگاهی کامل ندارند و از لحاظ سیاسی کاملاً فعال نیستند جزا کنید و در ارتباطها ی دورتری از تشکیلات نگهدارید بین افراد علمی و مطلقاً یعنی کاتیکه رژیم شناخت دقیقی از آنها دارد و به آنان دسترسی نیز دارد و کاتیکه کاملاً مطلق هستند و در پهنهای مناسب میتوانند کار انقلابی خود را پیش ببرند باید تفکیک بعمل آید و مادامکه نمیتوانیم افراد شناخته شده را کاملاً مطلق کنیم در ارتباطات آنها باید سنجیده حرکت کرد چنانچه افرادی را میتوان حتی در ارتباط غیر مستقیم یعنی از طریق انداختن اوراق تبلیغاتی و نشریات و رهنمودها به داخل منزلتان یا از طرق غیر مستقیم دیگر با توجه به شرایط امنیتی تغذیه کرد و در جهت عمل انقلابی ما برنامهدارید کرد. (توجه کنیم چون در منطقه شایع میکنند این اوراق از طرف خود رژیم پخش می شود جلب اعتماد گیرندگان اعلامیه به هر طریق ممکن نسبت به محتوای آن خاصه در مواردی که رهنمود عملی میبندیم ضروری است. از جمله این طرق میتواند این باشد مانند اظهار به یک جاسوس و سپس شناسایی از نا گیرندگان اوراق به محتوای نویسنده آن یقین کنند همچنین در کلیه موارد گیرندگان رهنمودها و اوراق باید به محتوای آنها را تحقیق کنند و تا یقین ندارند به رهنمودهای غیر مستقیم و خاص عمل نکنند تا رژیم نتواند از این کانالها بیسین انقلابیون نفوذ کند)

بناظر داشته باشیم معنی کاری خلاصیت، مصلحت و یا شناخت دقیق از اوضاع و احوال و نظرات و توان و اطلاعات رژیم از نیروهای انقلابی رابطه ای ناگسسته دارد. همچنین عمده ای از معنی کاری شناخت نیروهای کنترل و توان واقعی رژیم در این رابطه است که به ما کمک میکند ضد این نیروها را مقابله با شرایط کف و بکار بندهیم. مطلب دیگر تقسیم کار و سازماندهی افراد است. کارهای موجود باید بین افراد دسته های مختلف تقسیم شود و در اولین قدمها بین خود افراد کمیته تقسیم کار لازم صورت گیرد و وظایف مشخص شود. هر چه تداخل وظایف و مسئولیتها بیشتر باشد امور کندتر پیش میرود و معنی کاری نتواند است. این تقسیم وظایف باعث میشود که اطلاعات افراد دسته ها و کمیته ها از هم دیگر کمتر باشد در عین حال میکوتیم در ارتباط با دیگر کمیته ها و دسته ها و هواداران سازمان در معوده خود تماس و نگاهبان داشته باشیم و عملکرد واحد و متمرکزی را در منطقه پیش ببریم تا جلوی هرگونه پراکنده کاری گرفته شود و تماسی نمائیتها را تحت متمرکزی واحد قرار ندهیم. کمیته هایی که دارای سابقه و تجربه

و گذرند هستند دسته های مسلح و اختارات و دیگر بهشما ی مورد لزوم حرکت انقلابی سازمان داده و میبندند در پرورش باسند برنامه تشکل و سازماندهی چنین کمیته های گذرده ای را مد نظر داشته اما در ابتدا این مسئولیتها بین افراد موجود تقسیم میشوند. انتشارات از اولیه ترین امکانات میتوانست شروع کند یعنی تکثیر یا ست. کپی کردن و تکثیر با استنسیل و چهارچوب که عیبه های آن در مقالات خطاب به میلغیسن مندرج در نشریه کار آمده و بسویله هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان جمع آوری و تکثیر شده است و ما خواندن آن مطالب را با دقت هر چه بیشتر به کلیه هواداران و نیروهای انقلابی توصیه میکنیم. امروز دیگر افندای جمهوری اسلامی بمعنای محور تبلیغ امری است در درجه دوم محور تبلیغ و مرکز نقل پرورش سیاسی خلق سازمان یعنی مبارزات بوده است و باسند رهنمودهای عملی درباره سازماندهی و تشکل خلق یعنی پیشبرد امر کمیته های معنی ارائه داده بود. با توجه به جو خفقان و سرکوب حاکم بر جامعه بدیهی است که ارتباط مستقیم تشکیلاتی با همه هواداران و گذرند پرورده تشکیلات ضربه پذیری آنها بسیار افزایش میدهد لذا پیشبرد امر انقلابی را نباید موقوف به رابطه مستقیم یا تشکیلات نمود و رفقای هوادار در هر کجا که هستند متناسب با آن محل و ترکیب ساکنین و افراد آنجا نسبت به تشکیلات این کمیته ها اقدام بنمایند. وظایف این کمیته ها به شرح زیر است:

- ۱ - رهبری و هدایت مبارزات روزمره نوده ها علیه جمهوری اسلامی، تبلیغ اهداف و مقاصد جنبش و رساندن اخبار مبارزات و درگیریهای مسلحانه خلق بلوچ و سایر خلقها به گوش همه نوده ها.
- ۲ - تدارک امکانات لازم برای حرکت خودکمیته و نیز هواداران و سرمایه داران.
- ۳ - جمع آوری اطلاعات لازم از نفیته ها، کمیته و کلیه امور مربوط به حرکت و مقاصد نیروهای سرکوب (سیاه ها، رتبه ژاندارمری، کمیته ها و ...) محل شروع آنان و محل کوشش مزدوران و جاسوسان.
- ۴ - شناسایی مزدوران و افندای آنان.
- ۵ - پس از کسب آمادگنها ی لازم با در نظر گرفتن کلیه شرایط اعدام انقلابی مزدورانی که بیش از حد مورد تنفر نوده ها میباشدند.
- ۶ - طرح صورت توان اقدام به عملیات مبارزاتی

بقیه در صفحه ۲۱

و همبران ...

بقیه از صفحه ۹
اسلامی تبدیل خواهند شد که قانون اساسی حفظ منافع سرمایه داران بوده و مبارزات نوده های زحمتکش آنها مانند تمام حکومتها

ی سرمایه داری در جهان به مزبله نارسیح خواهند سپرد ما ما حیر حواث و تاریخ بر طبق اراده مجاهدین به پیش نخواهد رفت. مجاهدین مطمئن باشند هر اندازه بسیله امپریالیسم نزدیک شوند و تغییر در روشهای خود مبنی بر حمایت از منافع نوده ها نهندند بهمان اندازه از حمایت نوده ها محروم خواهند شد. و انتظارات آنها مبنی بر به تحت نشستن رجوی به سراسر تبدیل خواهد شد که هر چند نشسته لب بدوند رنگ عاقبت را نخواهند دید. باید گفت این سوخی تاریخ در مورد مجاهدین نیز تکرار خواهد شد تاریخ و نیروی محرکه آن مبارزه طبقاتی این قانونمندی را دارد که هر عنصر هر رهبر هر جریان از روند خارج شود در منتهای هولناک غرق خواهد شد. سازش مجاهدین خلق با امپریالیسم بهمان گونه که برین اکثریت خائن از مبارزه انقلابی ضریا تی بر نیروی جنبش چه وارد آورد ضریا تی بر مقاومت نوده ها علیه امپریالیسم وارد آورد ما ما مبارزه طبقاتی قوام خواهد یافت مبارزه هر چه سخت تر شود بهمان اندازه هم ماهیبت حریانها ی درگیر روغنتر خواهد شد.

در قسمت دوم مجاهدین در سر آورد نقاط مثبت سازش یعنی خود چهار یک استیفاء خیلی بزرگ شده اند و آنها در فن خود نادیده نمودن سازمان جریبهای فدائی خلق ایران و عنصر تاریخی - اجتماعی فدائی است. این سازمان سرتاسری که مجاهدین امید نابودیش را دارند و آنها پایان یافته تلقی میکنند می بینیم که روز بروز در میان نوده های زحمتکش بیشتر جا یاز میکند. هرچه رژیم ضریا تی جدی به آن وارد آورد ما ما بعد از هر ضربه با تجربه تر و جدی تر بازسازی میشود. با کنار گذاشته شدن هر عنصر ضد پرولتاریا، استعکام مغفوف آن بیشتر میشود (البته مجاهدین در ته دل خود خیلی هم ناراضینند) و توانا تر از گذشته در مبارزه طبقاتی شرکت میکنند. این آرزوی مجاهدین مبنی بر نابودی سازمان که منتج از سازش با امپریالیسم میباشد می بینیم که عملی نمیشود. و سازمان توانا تر از هر زمان در مقابل راست رویها و سازشهای مجاهدین قاطع پس گیر و بی رحم خواهد ایستاد و به تمام زحمتکشان وطن از کردستان تا بلوچستان خواهد گفت هتیار باشید، مجاهدین طرفدار سرمایه داری هستند، تمیخواهند ارتش امپریالیستی نابود شود، حق تعیین سرنوشت را برسمیت نمی شناسند، نیروهای کارگری را نمی پذیرند، مجاهدین راه سازش با امپریالیسم امریکا و تسمی با پرولتاریا را طی میکنند. و ما هواداران این سازمان سترک و رزمنده و در آگاه پرولتاریسای ایران نیز به خلق بلوچ خواهیم گفت: گری هارت و ریگان هیچ تفاوتی در ماهیبت جنایتکارشان ندارند فقط اختلافان در نحوه عمل است و مجاهدین خلق دارند با امپریالیسم

بقیه در صفحه ۲۱



دروغ ...

بقیه از صفحه ۱

را در حالی ابراد میکرد که چهارمین هواپیما در مدتی پیش نیز رسیده شده بود . اسلام پناه مان جمهوری اسلامی دروغ بزرگ تحویل میدهند، اما خوانین بلوچ در دروغسازي و دروغپردازی بکسر و گرس سالان از دروغسازان رژیم هستند . آنها بدروغ مبارزه میکنند صحنهها . ی دروغین جنگی ترتیب میدهند و بدتر از همه عکسبرداری نیز میکنند و برای سلطنت طلبیان میفرستند . امان الله باران - داداکی کهنه - کار و خان فراری بقلم حوثش جزوه ای در مهاجرت نوشت که چند نسخه ای از آن به بلوچستان نیز رسید . در آن دروغهای ساختاری نوشت که در مهارت وی رهبران رژیم نیز سر تسلیم فرود آوردند . در آن جزوه آمده است: پیشتر گدهای بلوچ (بخوان پیشتر گدهای خوانین) آنچنان بر تمام بلوچستان مسلط هستند که پاداران توان بیرون آمدن از سوراخهای خود را ندارند . این دروغ در زمانی نوشته شد و تحویل سلطنت طلبیان و حکام مرتجع عرب و امیرالیاستها گردید که ولگردان مستوریم ایران را به یک زندان عظیم تبدیل نموده بودند و مبارزین و فدائیان ، گروه گروه به حوضهای مرگ سپرده میشدند و خود باران از وحدت پاداران هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای ایران به حثی خواب میرفت و با زور تریاک و هروئین وحدتش را میپوشاند .

جدیدترین کالای کارخانه دروغسازي خوا- نین به رهبری میرمولاداد مزدور و به طراحی باران در مهرماه گذشته در بلوچستان پاکستا- ن عرضه شده است و با صفا هزار دلاری که تاکنون برای احداث این کارخانه از سرمایه داران سلطنت طلب وصول شده و تاکنون بهره ای پرداخت نشده معاوضه شده است . جریان از این فرار است که از سوی سایر خوانین دادنامه ای به سلطنت طلبیان مقیم پاریس ارائه شد که در آن خواستار رسیدگی به تزدبهای میرمولاداد شده بودند برای رسیدگی به تطلم خاکیشان و ارزیابی از کار مولاداد فردی بعنوان بازرس به کشور محل اقامت مولاداد یعنی پاکستان فرستاده شد و مشخص نیرنگ و بیاد حرفه ای یعنی باران از ماجرا مطلع گردید و قبل از آنکه بازرس برسد ، مولاداد را از کراچی به بلوچستان و در حوالی مرز مرستان و خوش دو روز بعد بسوی مولاداد روان شد . مولاداد با کمک یکی دیگر از ارنجاعیون منطقه بلوچستان پاکستان یعنی بهرام خان مقدمات صحنه را اثر- نیب داده میباید لشکر برای اجرای نمایشنامه را با پرداخت مبلغی ناچیز تدارک دیده و منتظر آمدن باران و بازرس شدند . بهرام خان ن پسر دوست محمد خان بخدار میباشد ، برادران و رفیه فامیل وی در بلوچستان ایران سکونت دارند و بهمن خان بارکزائی وکیل مجلس شاه برادرزاده وی میباشد . در ضمن قورمانسه مولاداد نزد بهرام خان میباشد .

بهرام خان دارای یک روستا و چندین کتیز و نوکر و رعیت میباشد . بهرام خان و مولاداد تمام این نوکران و رعیتها و عده ای

از اهالی بوستان و نعات اطراف را ملح نمود . ده برای بازدید آماده کردند . باران و با- زرس بسوی " بوستان " محل سکونت بهرام خان راه میافتند . وقتی بدانجا میرسند ، باران میگوید ، اینجا مناطق آزاد شده ماست و بیشتر- گان ما در آن کوهها مستقر هستند تمام این حوالی زیر نظر ما اداره میشود و روستائیان از ما حمایت می کنند و افراد ملح دور شا- دور باغ بزرگ و خانه بهرام خان منضمول نگاهبانی بودند ، بازرس با تعانی اینهمه مرد ملح تعجب میکند ، باورش نمیشود که خوانین مردان لایقی هستند ! مولاداد یک روز بعد از ورود بازرس به بوستان باز نمی بماند . طله یک کیلومتر پای پیاده بسوی بوستان به همراهی عده ای ملح راه میافتند علاوه بر اسلحه چند نارنگ بخوش آویزان میکنند و یک قطعه بی آب نیز بخوش می بندند ، مانا گان عدا- ی ایست ، مبردار بلند میشود ، بازرس که تا- کنون لم داده و پیوسته سراغ خان را میگیرد میرورود خان را می بیند . مولاداد با سر و روی خاک آلود و لبان خشک و لبهاشانی پر از عرق بهرام چند سلاح دیگر وارد میشود . مر- اسم معرفی از سوی باران انجام میگیرد و با زرس درکنار خان می بنشیند . باران بازرس را مخاطب قرار داده که قربان خان تازه از جنگ برمیگردد . نوکران یکی آب و دیگری خرما می آورند . ظاهرا خان و همراهان گرسنه اند چند روز است که غذای مناسبی نخورده اند فوراً کباب برایشان تهیه میگردد . بازرس با دست فنجان انداخته خوشحال و قرازان به مولا داد میگوید لعنت بر شما پتخواهان و لعنت بر سر تنگ نظران ، مخالفان شما گزارش نموده اند که جنابعالی با پولهایش که تحویل گرفته اید در کراچی به عیش و عشرت مشغولید در سنند برای خودتان زمین خریده پش پشترین قسمت کرده اید و در ضمن مقاطعه کاری هم میکنید حال که جناب را با سر و روشی پر گرد و غبار که حکایت از پیاده روی فراوان دارد می بینم به عی حرقهای پوچ و کتب بقیه پی میبرم . خان که یک پارچ آبرو تا ته سر کشیده اظهار میدارد قربان دروغ میگویند ، کدام زمین و کدام خانه و کدام پش منما خودتان فردی - نظامی هستید . اینهمه آدمی که من دارم خرج میخواهند و انگهی نگهداری مناطق آزاد شده نیز پول میخواهد . تاکنون کمک ناچیزی که بمن شده به هیچ جا نمیرسد من از فروش املاک خود ، از دارائی قبیلی و از کمک دوستان هز- یتهای خودم را تا همین می کنم . بازرس گوش می برنده شده است و می تواند با دست پیری به پاریس برگردد قول میدهد که کمکهای بیشتری بفرستد و شما لطف کنید عکس تمام افراد خود و منطقه را بمن بفرستد همان خائن و دروغپرد- داز ماهر بازرس را نزد چند نفر از ارنجاع- میون دیگر ، پاکستانی میبرد و آنها را بعنوان ان ایرانی معرفی میکند .

آنها بعد از چند روز به کراچی بسر- میگردند . در کراچی تازه بقیه خوانین متو- جه میشوند که کسی آمده ، پیرسان و جویسان وی را پیدا میکنند مذاکرات خود را مطرح میسازند ، بازرس با غرور پیروزی به آنها میگوید ببخودی چهره مولاداد را خراب نکنید

حما نشسته اید در کراچی ، وی منطقه آزاد کرده است . خوانین بار دیگر شستان خیردار می- شود که دوباره امان الله باران و مولاداد چه حیلهاش را بکار برده اند . بالاخره باز- رس به آنها میگوید که خودم منطقه آزاد شده رفتم و مولاداد را ملاقات کرده ام ، خوانین که متوجه قضیه میشوند و به رنگ و بازبهای همدیگر آشنائی دارند به بازرس میفمانند که بابا : آنجائی که شما رفته اید اولاً بلو- چستان پاکتان است ، ثانیاً تمام آن مردم نیز پاکستانی و نوکر بهرام خان و اجیر شده هستند . مولاداد حتی یکفران ماهیان به آنها پرداخت نمی کند . و آنچه اسلحه ای که نودیده ای نه از پولهای شما بلکه از آقای چماغان و از سوی مرای بوی رسیده است ، شما می توانید زمینهای مولاداد را در سند ببینید و حتی می توانید شماره حسابش را نیز ببینید ، بازرس متوجه میشود که چه کلاه گشادی سر همه شان رفته است . با دو دست بر سرش میگوید و ناسزا گویند بسوی پاریس روان میشود .

آری اینست تا کنون خوانین در مبارزه با رژیم خمینی و چابیدن پولهای هم پالکی- های خود . براسنی که خوانین خدا نقلی سی چقدر نفرت انگیز و مکار هستند . آنها در غیاب مردم زحمتکش بلوچ را روزی به سلطنت طلبان روزی به سران مرتجع عرب و عراق ، روزی به سران خدا نقلی مجاهدین افغانسی و همیشه به امیرالیاس میفرستند ، آنها در اسناد رسمی خود در پایگانی حزبشان بلو- چستان را به بیت قسمت تقسیم و هر قسمتی را به یک خان برای حکمرانی داده اند ، و در نزد سلطنت طلبیان و سران مرتجع عرب آن خان را حکمران آن قسمت معرفی میکنند اما اینک که مولاداد بقیه را پس زده و دور از چشم سایرین تمام پولها را بخود اختصاص داده و بقیه دستاز پا درازتر مانده اند اختلافات درونی شان بالا گرفته است . آنها یعنی متعد- بین دیروز ، امروز بر علیه همدیگر افتادگی میکنند . قدوس خان جاسوس هزار چهره و کسی که به شیطان هم تعلیم می دهد و از الطاف فریبهای مولاداد بی بهره نمانده است اینک بر علیه مولاداد برخاسته و پرده از رقصهای فرشی برداشته است که مواد تاکنون دریا- می باشد اظهار داشته است که بنی عامسری سرهنگ شاه مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ دلار یکجا جلوی خودم به مولاداد داده است که برای ما تمام خوا- نین بوده است . حتی مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ روپیه را من خودم دریافت داشته برای خلیل خان گمشاد زهی و سردار حاجی خان محمد برده ام ، در آن روزگاران ، مولاداد بعنوان پدر ما بوده و همه بوی اعتماد داشته ایم در چندین نوبت دیگر رقصهای درشت ۱۰۰۰۰۰۰ دلاری نیز رسیده است . اما وقتی که با مولاداد صحبت از تقسیم و همه بندی بد وی با کمال تعجب اظهار داشت چه چیزی را تقسیم کنیم ، انگار که هیچ پولی بوی نرسیده است . همه ما را دست بسر کرد . در ضمن وی نیز فاش ساخته است که علاوه بر کمکهای سلطنت طلبان ماهیانه ۵۰۰۰۰۰ دلار از سوی چماغان و عراقیها به

ایمن حکومت روی آرایش را بخود نمی بیند و آزادی زیر تعلیم و عبا خفه گفته گذشتار، اعتناق میکنند حکمرانی میکند . آری در شرایطی که مرادم آگاهی میداند سرنگونی این حکومت از عهده يك سازمان سیاسی خارج است (آنچنانکه مجاهدین قدرت خود را از خود دند) و در پی اتحاد سازمانهای نواده ای - است که وحدت کارگران و زحمتکشان نیز هموار میگردد . آنوقت سرنگونی حکومت متعسف و سرنا با فساد حاکم تسهیل میشود . رهبران مجاهدین خلق به انقلاب و این وحدت اصولی و انقلابی پشت کرده اند و بنای عداوت و دشمنی آشکارا با رزمندگان و پیگیرترین سازمان چپ یعنی نژ مستحکم و آگاه پرولتاریای ایران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را گذاشته اند؟ اگر چنانچه نتوانیم به این صورت با دیدی علمی بنگریم آنرا اختلاف سلیقه ارزیابی نکنیم ، سپس این دشمنی ، منافع طبقاتی رهبرانی نهفته است که وجود سازمان چریکهای فدائی خلق مانع تحقق آن است .

خرده بورژوا يك سرمایه دار و مالک فرد میباشد وی طرفدار مالکیت خصوصی بوده و پیوسته تلاش میورزد به مقام يك مالک بزرگ

عمود کند ، پیوسته بدنبال سرمایه روان است خرده بورژوا در دنیای سیاست نیز مانند اقتصاد از سیاستهای بورژوازی پیروی میکند و بدنبال سیاستمداران بورژوازی راه می افتد خرده بورژوازی ماهیتی دوگانه دارد از یکسو به مالکیت خصوصی وابسته است و از سوی دیگر با کاری که روی مسائل تولید در مالکیتش انجام میدهد و استثمار که از سوی سرمایه های بزرگ بر وی روا میرود او را در کسب پرولتاریا قرار میدهد . خرده بورژوا دار ، ی يك موضع مستقل نیست بنابراین سرشت ذاتی خود چون يك اقتصاد و برنامه مستقل ندارد ، باید بسوی بورژوازی روان شود و بلهبری پرولتاریا را بپذیرد . خرده بورژوازی بسین سرمایه داران و پرولتاریا منززل است هنگام قدرت گیری پرولتاریا رهبری وی را میپذیرد در غیر اینصورت عامل اجرای سیاستهای بورژوازی است و بسوی سرمایه داران گرایش دارد . هر آینه خرده بورژوازی رهبری وی و برنامه پرولتاریا را پذیرفت واقعا دموکرات است ، پذیرش رهبری پرولتاریا به خرده بورژوازی توان مبارزه با سرمایه های بزرگ و امپریالیسم را میدهد .

رهبران سازمان مجاهدین خلق بعنوان - نماینده سیاسی خرده بورژوازی در نبود يك آلترناتیو قدرتمند پرولتاریا راه سازش با لیبرالها را در پیش گرفتند و عوای ملیست مقاومت با برنامه بورژوا - رفرمیستی حاصل این سازش ناممکن بود . مجاهدین با عقد قرارداد با بورژوازی لیبرال از پرولتاریا فاصله گرفتند این فاصله گیری طبعاً مجاهدین را بسوی سازش بیشتر با امپریالیستها سوق میداد بخصوص وقتی مجاهدین دریافته اند که با تاکتیکی که آنان را رنجیستی و جدا از نوده و تحلیل های تا فرست قدرنگیری آنان غیر ممکن است . بخصوص وقتی آنان بیشتر دریافته اند که درنگیاری جمهوری اسلامی امپریالیستها نقش دارند

مجاهدین که به روی آوری به سیاست درست و اصولی و تکیه بر مبارزه طبقاتی و انقلابی توده های استثمارشونده اعتقاد ندارند در ماهیت طبقاتی و پندارهای ایدئولوژیک آنها نمی گنجد سیاست سازش با سرمایه داران را پیشه کردند این سیاست باید گام بگام پیش میرفت در هر گام باید شمارهای را دیکسال و مخالف امپریالیسم و نظام سرمایه داری و رنگ می باخت و هواداران این سازمان از نظر ایدئولوژیک نیز آماده میشدند و موانع برون تشکیلاتی نیز حتی میگرددند . ایمن دو وظیفه را باید مجاهدین برای رسیدن و نزدیکی به پشتیبانی امپریالیستها انجام میدادند . قسمت اول از مجاهدین نیروی زیاد ی را نمی طلبید آنها میتوانستند با تهبیح روحیه هواداران و وثیقه قرار دادن خون شهدا و استفاده از اهرمهای تشکیلاتی ، مرثیه خوانی و فرمان تشکیلاتی و سخنرانیهای رجوی و شششوی مغزی بخشی از هواداران در ایمن قسمت موفق شوند . بطوریکه امروز عده ای از هواداران مجاهد به فالانژ مجاهد تبدیل شده اند . مجاهدین در آغاز با نزدیک شدن و جلب نظر عناصری از احزاب لیبرال کشورهای اروپائی و امریکا و آنگاه رهبران احزاب خارج از قدرت و سپس احزاب سوسیال دمکراتی می میدانند انقلابی اروپا سهم در قدرت و سپس ملاقاتهایی با احزاب امپریالیستی نظیر حزب کارگر و محافظه کار انگلیس و سرانجام با باز نمودن باب مذاکره با امپریالیستها

یعنی امپریالیسم امریکا مراحل گام به گام سازش را یکی پس از دیگری طی نمودند . در قسمت دوم مجاهدین خلق بزرگترین موانع سر راه اهداف سازشکارانه خود را نیروهای چپ و بخصوص سازمان چریکهای فدائی ایران که اولین و تنها سازمانی بود که شکل گیری شورای ملی مقاومت و سازش مجاهدین را با لیبرالها بتفیع مبارزات توده های ستمدیده تمیذاست و جدا ساختن مجاهدین را از لیبرالها و تلاش شورای ملی مقاومت و جلب مجاهدین را بسوی سیاست و برنامه پرولتاری در دستور کار خود قرار داده بود . میدانست باید این مانع نیز از جلوی پا برداشته شود ، مجاهدین در این زمینه تلاشهای فراوانی نمودند که آنرا از صحنه سیاسی ایران سانسور نمایند ، آنرا بی عمل ، کنتراست ، در حال انحصار و نابودی قلمداد کنند . از عناصر خائنی چون مهدی سامع حمایت بیدریغ نموده بزعم خودشان سازمان چریکهای فدائی خلق حامی شورای ملی مقاومت درست کردند و سازمان را به لفظ اقلیت نزول دادند . منبع ترین توطئه ها را بکبار بردند تا شاید بتواند سازمان را نابود و یا حداقل بی اعتبار کرد به مبارزه ایدئولوژیک وی پاسخ ندادند ، به ضربات بی رحمانه ای که نشریه گرانمایه جهان ارگان هواداران سازش مان در خارج از کشور به سیاستهای سازشکارانه مجاهد وارد میاورد حتی کلمه ای جواب نگفتند چرا که جلب حمایت امپریالیستها طلب میکرد تا به مطالب جهان پاسخ نگویند ، خبر آکسیونهای فوق العاده انقلابی و گذر شده هواداران سازمان را در خارج از کشور در - نشریات نشان حتی نیاروند آری به آکسیونهایی که در نوع خود در تاریخ جنبش خارج از کشور بینظیر بود و جمهوری اسلامی را در حدوسی رسوا نمود هیچ توجهی ننمودند ، اما خبر يك عنصر لیبرال پیوسته به شورای ملی مقاومت

را با تیرت فرست نگاه شدند همه این اقدامات در جهت رسیدن به يك هدف بکار گرفته میشد ، نابودی سازمان مزاحم و یا حداقل سانسور آن برای سهولت و بدون سروصدا بودن سازش . بیخودی نیست که مجاهد ۲۱۷ سیاستهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را ضد انقلاب محبت گیر بسوی ضد انقلاب غالب و مغلوب ، مشکوک و نهایت درخواست از سازمانهای مترقی و دمکرات میبنی بر قطع ارتباط با اقلیت ، موضع گیری می کند . کونه بینسان ساده اندیشی فکر میکنند با فرج آن مقاله سازمان را مثله و بی اعتبار کرده اند تا درحقیقت آنها ی جنایتکارترین خون آشامان عصر فعلی یعنی سنا توره های امریکائی را درصفاست

مجاهد ۲۱۶ موجه جلوه دهند . حال می بینیم که دشمنی مجاهدین خلق با سازمان چریکهای فدائی خلق يك انفکافی ساده ، یکسو تفاهم و يك اختلاف سلیقه نیست ریشه در عمیق ترین اختلاف منافع طبقاتی ، طبقات دارا و استثمارشونده دارد . يك طرف نیروی طرفدار زحمتکشان مزم جزم کرده که تا به آخر مدافع راستین زحمتکشان ایران باقی بماند و سوی دیگر نیروی که عاقبت خود را در نزدیکی و سازش با امپریالیستها

آیا مجاهدین به اهداف خود می رسند؟ کمال تاخیر و اما با کمال تاخیر و بدون هیچ تعجب باید گفت که رهبران مجاهدین پیوسته سازش را بسرعت طی می کنند آنها موفق شده اند حمایت حزب دمکرات امریکا را جلب کنند و این سیاست را نیز به پاره ای از هواداران خود بقبولانند و در همان روزهایی که پیاپی بخش گردید هواداران مجاهدین به دام يك توهم کردگانه گرفتار شدند که خمینی قدرت رجوی می آید و برای این آمدن نامعلوم هورا کذبند اما مطمئنیم که بسیارند هواداران و عناصری در این جریان که در مقابل سیاستهای سازشکارانه رهبران مجاهدین خواهند ایستاد و این لقمه ای که مجاهدین بلند کرده اند براحقی نمی توانند در ایمن قسمت ببلعند . رهبران مجاهدین همانطور که سازش کرده اند و تمام شمارهای ضد امپریالیستی و عمل ضد امپریالیستی را از دستور کار خود خارج نموده اند دیگر نمی توانند مدعی يك جریان ستیزنده با امپریالیسم باشند ، آنها به مترسکهای تبدیل خواهند شد در ست امپریالیستها برای هراساندن جمهوری اسلامی . چنانچه روشنائی را اتحاد نکند که مانع قدرت گیری چپ در ایران بشود و درست در اختیار سیاستهای امپریالیستها قرار نگیرند مجاهدین را سرکار خواهند آورد بفرص حال اگر چنین هم بشود مجاهدین وظیفه کامل کردن روند بازسازی سرمایه داری وابسته در ایران و حداقل يك حکومت بی آزار برای امپریالیسم را بعهده خواهند گرفت مجاهدین آنوقت مجاز خواهند بود زیر تصویر رهبران ضد امپریالیست قبلی که نمایندگان امپریالیسم را به رگبار می بستند به خاطر تداوم پیوندشان با امپریالیستها با تمام بندگان امپریالیسم غامبا این هم بنویسند . مجاهدین آنوقت به دولت مردان فرومایه ای تبدیل خواهند شد که در مقابل خواسته های کارگران راه سرکوب کارگران را با بسند در پیش گیرند . دولت مجاهدین به حکومت

و همنمود و . . .

بقیه از صفحه ۱

های پرشکوه قیام تاریخی بیستم ماه را مورد یورش و دستبرد قرار داده و فضای اختناق و تیره و تاری بر میهنمان حاکم کرده است. شرایط اقتصادی و معیشتی زحمتکشان روز بروز بدتر شده، فقر و فلاکت و تنگدستی مدام هستی زحمتکشان را تهدید میکنند. مایحتاج روزمره نودهها کمیاب و اگر هم قابل دسترسی باشد به قیمت بسیار گزاف و گرانی باید خریداری شود.

تجار وابسته به رژیم حاکم از فصل غارت و چپاول دسترنج زحمتکشان پولهای هنگفت و سرمایه آوری به جیب زده اند. مداوم جنگ ارتجاعی ایران و عراق که متجر به کشته شدن عده زیادی از نودههای مردم کشته هرچه بیشتر بحران اقتصادی حاکم را دامن زده و روز بروز فشار سنگینتری بر دوش تودههای زحمتکشان میهن ما وارد می آید. اوضاع بد اقتصادی باعث شده که هزاران نفر از مردم ایران گرسنه و آواره و بیگسار و سرگردان در منتهی درجه فقر و بدبختی بسر ببرند. اقدامات فوق بخوبی و روعتسی عملکرد بهامیت ارتجاعی جمهوری اسلامی را نزد تودهها فاش میسازد.

دانش آموزان انقلابی و آگاه :

— شما بمنابه نشر آگاه و فعال و پویای جامعه در هر منظمی از تاریخ مبارزات پسر فراز و نشیب خلقهای ایران نقش انقلابی خود را ایفا نموده اید. مبارزات دلآورانانه و قهرمانانه شما علیه رژیم وابسته و ضد مردمی شاه و حماسه آفرینهای بی مانند ۱۳ آبان هرگز از صفحات درخشان تاریخ محو نخواهد گردید هر گاه پتانسیل و خوراک انقلابی شما از قوه به فعل بدل شود نیروی مادی عظیمی خواهد شد که اگر ره به دریای مبارزه سراسری تودهها ببیماید می تواند هر سدی را از جلو بردارد. رژیم ضد مردمی و جنایت پهنه خمینی که از نقش آگاه هکراته و انقلابی شما در دوران پرشکوه مبارزه علیه رژیم شاه آگاه است جهت به اعتراف گذاشتن و هنر دادن این نیروی عظیم علیه شما از هیچگونه عمل جنایتکارانه ای دریغ نورزیده است. بعد از قیام و بویژه پس از ۲۰ مرداد که رژیم بورژوازی دیوانه وار و لجام گسیخته ای به نودههای انقلابی و سازمانهای پیشرو و انقلابی آغاز کرد شما شاهد جنایات بی شمار رژیم بوده اید. دستگیری متکسبه و اسددام و پرکردن زندانهای متعدد و رنگارنگ از مبارزین چیزی نیست که در ایران از چشم کسی پنهان مانده باشد. در این میان دانش آموزان انقلابی و آگاه نیز همانند بقیه مورد خشم و غضب مرتجعین حاکم قرار گرفته و در این راه تا بحال شهدای زیادی تقدیم جنبش انقلابی کرده اند. شما خوب به یاد دارید بعد از یورش دیوانه وار رژیم به انقلاب خلق بویژه پس از ۳۰ مرداد موج دستگیریهای وسیع و گسترده دانش آموزان و به زندان افکندن آنها و شکنجه و اعدام آنها، شما ۶۰۰۰۰ آری دوستان شما

بخاطر مبارزه برای آزادی، استقلال و محو سلطه امپریالیسم جانشان را تقدیم کرده اند آنها بخاطر بهروری نودهها و بخاطر محو ظلم و ستم و دیکتاتوری مردانه با به عرصه پییکار نهادند و با خون خود به عهد خود به خلق وفا کردند. این وظیفه ننگ تمام است که آرمان شهیدایان را پاس دارید. هدفی را که آنها بخاطرش رزمیدند و جان باختند مقصد و نیگو بدارید و عهد ببندید که تداوم راه خونبار آنها را در هر شرایطی ادامه دهید. و اینها میسر نیست مگر با مبارزه و تندید مبارزه علیه سلطه ارتجاع حاکم. آری فقط از این طریق است که شما میتوانید نقش انقلابی خود را در تحولات جامعه ایفا نمایید.

جنبش دانش آموزی جزئی از جنبش دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلق ماست. باید در جهت پیوند این جنبش و مبارزه با جنبش سراسری رابطه ای مستحکم و پولادین بوجود آورد. دانش آموزان موظفند اخبار و حوادث و تحولات و رخدادها را در مدارس مطرح کرده و به روشننگری و افشاکاری دست بزنند. اعلامیهها و بیانیتهای و مواضع سازمان را به سایر دانش آموزان برسانند. در حد توان خود و از طرق مختلف نسبت به تکثیر اعلامیههای سازمان بزنند (با دستنویس یا کاربن و...) باید با مبارزه و همدردی عملی با تودههای زحمتکش که زیر فشار شدیدترین تعقیبات رژیم ارتجاعی قرار دارند بتوانیم نقش خود را ایفا نماییم. گرچه ضد انقلاب حاکم هر چند ضرباتی سخت بر پییکر انقلاب وارد آورده، مگر چند در این راه ما قربانیهای بیشماری داده ایم. هر چند میدانیم تداوم مبارزه در شرایط موجود چقدر سخت و سنگین و ستوار است ولی با همه اینها هنوز انقلاب زنده در هر وجب از این خاک گلگون که با خون شهیدان خلق معطر گشته، رزم بیامان خود را علیه نظام ستمگر و خودکامه خمینی جلا داده میبندد و هیچ چیز قادر نیست آنها را از راهشان باز دارد. این را فعالیت وسیع و گسترده سازمانهای انقلابی و بویژه حقیقتاً ثابت میکند. امروز رژیم دیوانه وار روز بروز دستش را به جنایات تازه ای امشته میکند. این سرنوشت تمام رژیمهای ارتجاعی است که در واپسین دم حیات ننگین خود به هر اقدام غیر انسانی دست میزنند تا شاید چند صباحی دیگر زندگی کنند.

دانش آموزان انقلابی و آگاه : با این شرایط میتوان فهمید که شما و نیروی عظیم ۱۰ میلیونی شما اگر به حرکت و غلبه در آید مرکز این ظالمان جنایتکار زودتر فرا خواهد رسید. در شرایط حاکم رژیم از طریق انجمنهای اسلامی مدارس را به آوارنگاه تبدیل کرده است. هر چند که بیشتر دانش آموزان انقلابی شناخته شده یا در زندانند یا اعدام شده اند مگر چند که کوچکترین حرکتی جهت یست آوردن هر نوع امتیاز (مبارزه صنفی - سیاسی) جهت ایجاد فضای دمکراتیک و آزادی سیاسی و تشکیل عورتا غیره جوابش سرکوب و شکنجه و زندان است و شما باید در جهت تشکیل تفکلات صنفی مانند کمیته صنفی و یا همنههایی که دانش آموزان پیشرو در آن جمع شده اند مبارزه خود را سازمان یافته ستم و سوهید. باید از حرکات

فردی پرهیز کرد. رژیم براحتی میتواند این نوع حرکات و حرکات سازمان نایافته را درهم شکند. باید از طریق تماس با سازمانهای پیشرو و انقلابی و تغذیه فکری و تئوریک خود اخبار مبارزات سایر تودهها را به گوش دانش آموزان برسانید. رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی که درگیر جنگی ارتجاعی و خانمانسوز است در مواقع زیادی از دانش آموزان نا آگاه بمنابه گوشت دم توبه استفاده میکنند. تا بحال دانش آموزان زیادی در جنگ ارتجاعی رژیم جان باختند و شما موظفید با کار گسترده و پیگیر ماهیت ارتجاعی و ناعادلانه جنگ را افشا و از حرکت دانش آموزان در جنگ جلوگیری بعمل آورید. هر چند رژیم در این زمینه شیاطینهای خاص خود را داراست مثلاً میگوید تجدیدیهایی شهریور اگر به جنگ بیرون قبول میشوند. شما باید این ترفندهای حیله گرانه و فریبکارانه رژیم و مزدوران رنگارنگش را در مدارس افشا نمایید.

دانش آموزان آگاه و مبارز :

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در بحران های مزمین اقتصادی و سیاسی دست و پا میزند با جنایاتیکه رژیمم بوجود آورده روز به روز پیروزه خطوط خود را نزدیک و نزدیکتر میکند. امروز سلاح مبارزه علیه رژیم در سراسر ایران دارد تیز میشود. کارگران قهرمان ایران روز بروز مبارزه ای گسترده تر و عظیم تری را در سخت ترین شرایط اختناق پیش میبرند. سلاح اعتبار روز بروز درختندگی و جلائی خود را در مبارزه طبقاتی نشان میدهند. خلق قهرمان کرد که نزدیک به ۶ سال است مقاومتی حماسه آفرین را خلق کرده است معنوی سرافراز و استوار در مقابل رژیم ایستاده است رژیم جهت به زانو در آوردن مبارزات خلق کرد از هیچ جنایتی فروگذار نکرده. بمباران وسیع منطقه ای، اعدامهای دسته جمعی مبارزگیری اجباری و آخرین این جنایات کوچک اجباری میباشد ولی تمام اقدامات فوق هیچ خللی در عزم استوار خلق کرد وارد نیابرد، و گمانا خلق قهرمان کرد در برابر رژیم به رزم بیامان و حماسی خود دلآورانانه ادامه میدهند. شما باید ندای مظلومیت خلق کرد را به گوش همه برسانید. حقانیت جنبش انقلابی خلق کرد را تبلیغ و ترویج کنید. و نشان دهید که رژیم ناتوان و درمانده جمهوری اسلامی ناتوانتر از آن است که در مقابل اراده و عزم خلقهای بیباخته تاب تحمل و توان داشته باشد. مبارزات دلآورانانه خلق کرد نشان دهنده آن است که تبلیغات دروغ و بهرمانه رژیم در جهت قلع و قمع و نابودی نیروهای انقلابی حرفی مفت و سحره است. امروز که رژیم در گرداب مشکلات دست و پا میزند ما باید هرچه بیشتر و با عزم و توانی افزونتر به مبارزه خود ادامه دهیم. خلق بلوچ که سالهای سال بود در ورطه جهل و خرافات و بی فرهنگی ناشی از ستم سلطه ارتجاع غوطه ور بود امروز میبرد که در مبارزه حماسی آتی نقش دوران ساز و انقلابی خود را ایفا کند. امروز جوانان انقلابی خلق بلوچ جهت آگاه کردن این خلق به اقدامات انقلابی نظیر بخش و ترویج نشریه بامسی استار، تشکیل تشکل انقلابی جنبش آزادبخوا -

رهنمود و ...

بقیه از صفحه ۱۰

هان بلوچ (که برای حق تعیین سرنوشت خلق بلوچ مردم به پیگیری صلحانه میباشد) ندرده اند . شما باید در جهت معرفی و شناساندن این گونه حرکات انقلابی حرکت کنید . رفقای شما دانش آموزان و معلمان شهیدی مثل صد حسین زهی بخسرو مبارکسی ، امین نورایی و زین الدینی در این راه خون شان را نثار کردند . شما باید از مبارزات شهدا الهام بگیرید . و در جهت معرفی هدف و آرمان مفسی و والای شان از هیچ کاری دریغ نوزید .

رفقای دانش آموز :

گتردی و وسعت مبارزه طبقاتی و پیگیری این مبارزه احتیاج به درک آگاهی و عزم و تحرک دارد . شما باید این مبارزه را در کتب کار و پیکار و رنج و سختی بدست برید . خلق ما و زحمتکشان مهین ما امروز در زیر سرنیزه زور و ظلم ارتجاع زندگی سختی را تجربه میکنند . و بهمان درجه از شدت و حدت فردا در نبردی سهمگین و خونین طومار ارتجاع را در هم پیچینند ، شدت و رعبایی مبارزه طبقاتی باعث روشن شدن خط و مرزها بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نیروهای سازشکار شده است امروز هر نیرویی ماهیت و چهره واقعی خود را نه در حرف و شمار بلکه در کوران سهمگین ترین نبردهای حاد نشان داده است . چنانچه که پیگیرترین نیروی ضد امپریالیست مفسرنامه داری میباشد توانسته در سخت ترین شرایط حاکم بر جامعه با خط و برنامه ای پرولتری

باتمام ...

بقیه از صفحه ۵

گتردی و تحکیم روابط سرمایه داری وابسته است . احتیاج مرکب ، کنتار ، پاپامال کردن آزادیهای سیاسی و لگدکوب کردن حقوق دمکراتیک خلق ارتباط لاینفکی با حفظ منافع سرمایه داران و زمینداران دارد . هر غرایبی که هر اعتصاب ممنوع است ، هر تظاهرات ممنوع است ، هر بحث و تحمن و نسبت از کار کشیدن ممنوع است و هر شکل از این مبارزات به وحتیانه ترین شکلی به خون کشیده میشود . آری این منافع سرمایه داری است . استعمار پیاپول ، غارت ، دستگیری ، شکنجه ، زندان ، تجاوز و هزاران اعمال فاشیستی و رژیم جمهوری اسلامی از چنین منطقی پیروی می کند . تودههایی که درخانه خود امنیت ندارند و تحت تعدد ترسیمی سیاستهای اغتنائی خانه گردی ، ماهی گردی ، و خیابان گردی قرار دارند . مردمی که به خاطر بحث و نگهداری نثریه و پخش اعلامیه با بهر علت دیگر اعدام و کنتار میشوند . زندانیان سیاسی که در بدترین وضع موجود و تحت شکنجهای قرون وسطایی قرار دارند . باید تبلیغی همه جانبه را پیرامون تسام این واقعیتها روزمره زندگی تودهها به

به مبارزه ادامه دهد . معیان دیروز مبارزه ، همگی یا از مبارزه دست شسته اند یا با پورش ارتجاع مرعوب و متلاشی گشته اند خیلی از سازمانهای انقلابی ضربات عظیمی متحمل گشته اند و حتی عده ای کلا تعطیلی خود را اعلام کرده اند . امروز چنانچه تنها سازمانی است که با شرکت فعال در مبارزه طبقاتی و انتشار نثریه کار و اعلامیهها و رهنمودهای سازمانی توانسته پرحم سرخ کارگران را در اهتزاز نگه دارد . شما باید برنامه عمل سازمان را تبلیغ و ترویج کنید شما وظیفه دارید عملهای سرکشی و سرزوزان مبارزه را حول برنامه سازمان برانروخته نگه دارید . نیروهای رنگارنگ دیگری هستند که امروز سعی دارند جهت انحراف مبارزه تودهها با خط و برنامههایی که هیچگونه معنایی با اهداف انقلابی کارگران و زحمت کتان ندارد ، تلخی ورزند . شورای ملی مقاومت که امروز به يك محفل ورشکسته و درمانده تبدیل شده سعی میکند خود را بر مبارزات رو به رشد تودهها تعمیم کند . شورایی که پایدریزی برنامه آن را جنایتکارانی چون بنیهر تدارک دیده بودند . امروز رشد و گتردی و تعمیق مبارزه طبقاتی آب در خوابگاه موزنگان ریخته است . لادهای متعفن و گندیده ای که حالهات در افغان تودهها به فراموشی و خاک سپرده شده اند . امروز میخواهند به انحاء مختلف سر بلند کنند . برنامه شورای ملی مقاومت که در حقیقت يك برنامه بورژوا لیبرالیستی و بورژوا رفرمیستی است نه تنها خواستههای این مرحله از انقلاب ایران را نامین نمی کند بلکه در واقع برنامه ای است که تودهها را در همین شرایط اما با رنگ و بویی دیگر فرامیخواند شما باید با شناخت از مواضع سازمانها و گروهها سعی کنید خطوط انحرافی را شناسایی و در جهت طرد و منزوی کردن آنها

کوفتا باخید . گروه دیگر که امروز خود را مطرح میکنند سلطنت طلبان ضد انقلاب و بسی آبرو می باغند که با قهر انقلابی تودهها در ۲۲ بهمن سرنگون شدند . اینها از فرست استفاده کرده تا از وضع موجود که رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی فاجعه آفرین آن بوده جهت نظیر چهره رسوا و ناپاکار خود بکوشند . این گروه که سر در آخور امپریا - لیم و ارتجاع بین المللی دارند و از حمایت آنها مستفیذ هستند ، یکی از دشمنان واقعی تودهها بوده و باید سعی کنیم که چهره شناخته شده آنها را بیشتر به تودهها بشناسانیم . مشاهده وضع کنونی باید شما را بیدارتر و آگاهتر گرداند نباید بیکار نشست ، هر طریق ممکن و از هر کالی باید جنبش انقلابی را تقویت و به ضد انقلاب ضربه رساند . باید خونبهای شهدای راه آزادی را از فرحیمان خمینی بگیریم . همیشه به یاد دوستان شهید و اسیر و زندانی دانش آموزان باخید . یاد آنها باید متصل کننده عقب به مبارزه در وجودتان گردد . باید مزدوران انجمن اسلامی را منزوی کرد . باید به انحاء مختلف زیر بار قانونهای ضد انقلابی این مزدوران نفرت ، این خود شکلی از مبارزه است . مبارزه نهایی شما در پیوند ارگانیک و سازمان یافته با مبارزه سراسری خلقهای ایران علیه ارتجاع حاکم می تواند به عیادت محضر رژیم جنایتکاران و اوباشان باستان

مستحکم باد پیوند مبارزه دانش آموزی با مبارزه سراسری سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی



مدام و پیوسته ما میتوانیم چون صدی عظیم از طرح و اجرای اندیشههای سلطنت طلبی و لیبرالیستی جلوگیری کند . ما برای این کار احتیاج به لشکری از کاغذ و کتساب و نشریه داریم تا بتوانیم به تمام سایل جنبش در منطقه پاسخ گوئیم . باید در عدل بتوان به تمامی اقشار و ملیتات خلق ناست کرد طبقه کارگر پیگیرترین متحد و حامی آنها در هرگونه مبارزه انقلابی است و برنامه عمل سازمان که انعکاس مادی منافع واقعی تودهها در این مرحله متحصران انقلاب دمکراتیک است باید رسماً به میان مردم برده شود . امروز ایران آیدش تحولات جدید و شگرفی است پس خلق بلوچ هم باید بتواند نقش انقلابی خود را در رفسم زدن این تحولات همگام با سایر خلقها اجرا کند . به خاطر داشته باشیم انقلاب سرعت آموزش میدهد . فتنها را روشن میکنند و جمع مینماید . رفقا : ما در عمل با مشکلات زیادی برضورده خواهیم کرد باید با همتی والا و عزمی راسخ آنها را از جلوی راه برداشت . از سوئی اندیشههای عقب مانده ، متاثر از ذهنیت عقب مانده در مقابل تبلیغات انقلابی مقاومتی خواهد کرد که مطمئناً با کار پیگیر و مداوم پیرو این اندکال برطرف خواهد شد . نباید هلسرد شد .



هم میهنان مبارز قضاوت کنید!

پس از مذاکرات اخیر رهبران سازمان مجاهدین خلق با رهبران احزاب ارتجاعی انگلیس مترقیایی آنها به حضور گنشر وزیر خارجه آلمان و حمایت و پشتیبانی بیشتر از ۸۰ تن از نمایندگان و سخن گویان رسوا و شناخته شده امپریالیسم آمریکا، از جمله کندی، گری هارت و مک کاورن و نیز حمایت تعداد دیگری از مرتجعین سراسر جهان از سازمان مجاهدین خلق، رهبران سازشکار این سازمان برای جلب حمایت هرچه بیشتر امپریالیستها و نشان دادن دشمنی خود با نیروهای انقلابی و مترقی ایران و تضعیف عملی به امپریالیستها و کلیه مرتجعین سراسر جهان حملات خود را علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تجدید نمودند.

شماره‌های اخیر نشریه مجاهد مملو از مقالاتی است که نشان دهنده کینه و دشمنی رهبران مجاهدین خلق با طبقه کارگر ایران و عداوت آشکار آنها با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است. آنچه که نوشته‌های اخیر مجاهدین خلق را در صدمت با طبقه کارگر ایران و سازمان ما مشخص می‌سازد، پناه بردن آنها به استفاده از شیوه‌های مرسوم و متداول بورژوازی علیه نیروهای انقلابی و مترقی است.

مجاهدین خلق که با غوطه‌ور شدن گام به گام به لیبرالیسم بورژوازی به اهداف انقلاب و آرمانهای نوده‌های مردم پشت نموده و راه زود بند و سازش با مرتجعین را در پیش گرفته‌اند، در ادامه خط مشی خود در شیوه برخورد با سازمانهای مترقی و انقلابی ایران نیز از هرگونه پرنسیپ و اصول انقلابی دست برداشته و با بی‌پرنسیپی هرچه تناسل به توطئه علیه سازمانهای انقلابی و برجسب زدن بآنها متوسل شده‌اند. این شیوه‌های کینه و شناخته شده مرسوم بورژوازی در سراسر جهان است که در گذشته رژیم شاه و خمینی نیز از این شیوه استفاده کرده‌اند چه کسی آنها را رژیم شاه و خمینی را علیه سازمانهای انقلابی فراموش کرده است چه کسی امروز در ماهیت چینی شیوه‌ها و اتهامات تردید دارد.

آنچه که روشن است توده‌های مردم طی چند سال اخیر در بطن یک مبارزه آشکار و انقلابی به ماهیت چینی شیوه‌هایی و چنین اتهاماتی پی برده‌اند، هر در بطن این مبارزه ماهیت تمام اعمال و رفتار، گفتار و کردار همه جریان سیاسی تا حدود زیادی برای آنها آشکار شده است. اما رهبران مجاهدین خلق تازه به فکر استفاده از شیوه‌های شناخته شده رژیم شاه و خمینی علیه مخالفین خود افتاده‌اند.

آنها که در قبایل اعمال خط مشی اصولی و انقلابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مخالفت با سازشکاری مجاهدین خلق هروی گردانی آنها از اهداف انقلاب و پشت کردن به توده‌ها و اتحاد روزافزون با امپریالیستها، افشا و انفراد روزافزون خود را در میان توده‌ها می‌پینند و پاسخی به مسائل اصولی و منطقی شرح شده از سوی ما ندارند به حربه اتهام و برجسب زدن متوسل شده‌اند که تنها می‌تواند ماهیت رسوایی خط مشی سازشکارانه و فرصت طلبانه آنها را بیشتر بر ملا نماید. آنها در شماره ۲۱۷ نشریه مجاهد ادعا می‌کنند که "اقلیت" در نتیجه موطوره‌بردن هرچه بیشتر در صدمت با مقاومت انقلابی مسلحانه و با پرچم‌داران آن و با تنها آلترناتیو دمکراتیک بدانجا راه می‌برد که در خوش بینانه‌ترین صورت مجازا به خدمت بیشتر مردم ترین نیازهای سیاسی و تبلیغاتی رژیم ضدینری خمینی و مرتجع‌ترین مخالف امپریالیستی و ست نمایندگان آنها درمی‌آید. "با بیستی مراحتنا و به جد خاطر نشان کنیم که ما در سلامت سرچشمه‌ها و آشخور اصلی موضع گیریهایی ضدانقلابی اقلیت تردید داریم، و همه این مواضع را در چارچوب کودکی و چشم و هم چشمی و احساس رقابت خرد بورژوازی یا بورژوازی تمدن‌انیم تفسیر کنیم. اینجاست که به نظر ما این میزان صدمت با مجاهدین و این گونه شمار متلاشی کردن شورای ملی مقاومت دادن (دقیقا به نفع صدام انقلاب غالب و مغلوب و به نفع امپریالیسم) و بالآخره تبلیغ یا تپانی رژیم خمینی و صدمت با شمار ملح آنها در شرایط نبره‌ماران و خلق آویز مستمر رشیدترین فرزندان خلق نمی‌تواند از سرچشمه‌های چندان سالمی نجات گرفته و عاری از هر عنصر "مشکوک" باشد.

خوب به این افاضات مانعنا بانه مجاهدین دقت کنید، میبینید که کار رسوایی آنها به کجا کشیده شده است. آنها که اکنون حمری سیاست طبقه سرمایه‌دار ایران شده و نزدیکترین مناسبات را با امپریالیسم برقرار ساخته‌اند ایبائی ندارند از اینکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که سراسر تاریخچه پرافتخار مبارزاتی آن حتمی برای توده مردم ناآگاه نیز روشن است، "مشکوک" بنامند و خط مشی این سازمان را در خدمت امپریالیسم و ارتجاع معرفی کنند.

آیا رهبران سازشکار مجاهدین خلق درک نکرده‌اند که دوران عوام فریبی سپری شده است آیا رهبران مجاهدین خلق تصور می‌کنند که توسل به چنین شیوه‌هایی میتواند آنها را از بن بست فلاکت‌بار موجود نجات دهد. امروز بخش عظیمی از توده‌های مردم بخوبی میدانند که چرا سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با شورای ملی مقاومت و در رأس آن سازمان مجاهدین خلق مخالف است. آنها خوب میدانند که اختلافات نه اختلافات بعضی، نه اختلافات ناشی از "چشم و هم چشمی و احساس رقابت" بلکه شکاف و اختلاف میان رفرم سازشکاری و بند و بست از یک طرف و انقلاب و دفاع از منافع توده‌های مردم از سوی دیگر است. توده‌های مردم ایران خوب میدانند که رهبران مجاهدین خلق برای دوام و بقا نظام نکیت‌بار موجود نفاق می‌کنند. رهبران مجاهدین خلق تنها خواستار تغییر مهره‌های این نظام و نشستن آقای رجوی بجای خمینی هستند.

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای برانداختن این نظام در کلیت آن مبارزه می‌کند. رهبران مجاهدین خلق با بورژوازی وابسته ایران سازش کرده و مطیع و حمری سیاستهای آن شده‌اند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با بورژوازی ایران و جهان در کلیت آن دشمنی آشنی ناپذیر دارد و با آن مبارزه میکند.

رهبران مجاهدین خلق خواهان حفظ و حراست دستگاه دولتی بورژوازی، ارتش، بوروکراسی و تمام نهادها و ارگانهای سرکوب و تحمیل توده‌ها هستند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در راه برانداختن این دستگاه ستم و سرکوب توده‌ها در کلیت آن و ایجاد ارگانهای اقتدار توده‌ای همچون شوراهای ارتش توده‌ای و خلق توده‌ای و خلق مسلح مبارزه میکند.

هم میهنان مبارز

بقیه از صفحه ۱۲

مجاهدین خلق خواهان اصلاحات ناچیز در نظام موجودند و از برجای ماندن نظام موجود و نظم ارتجاعی بوروکراتیک موجود دفاع می‌کنند .
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که اساساً در جهت استقرار سوسیالیسم مبارزه می‌کند ، فوری ترین هدف خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک نظام دمکراتیک - انقلابی یعنی جمهوری دمکراتیک خلق قرار داده است .

رهبران مجاهدین خلق برای باقی ماندن قدرت سیاسی در دست سرمایه داران مبارزه می‌کنند .
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران هدف فوری خود را انتقال قدرت به دست کارگران ، دهقانان و عموم توده های زحمتکش ایران قرار داده است .

مجاهدین خلق پس از آن همه معاشی که توده های مردم ایران از حکومت مذهب منحل شده اند ، باز هم خواهان یک جمهوری اسلامی هستند ، و بخیال اینک می‌توانند مردم را فریب دهند ، یک واژه دمکراتیک نیز چاشنی آن کرده اند در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران علیه هر حکومت مذهب مبارزه میکند و خواهان جدائی کامل دستگاه مذهب از دولت است .

رهبران مجاهدین خلق همانند رژیم شاه و جمهوری اسلامی از ستمگری ملی دفاع میکنند .
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خواهان تضمین حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای تحت ستم ایران ، کرده ، ترک ، ترکمن ، عرب و بلوچ است .

رهبران مجاهدین خلق راه زد و بند و سازش با امپریالیسم را در پیش گرفته اند ، سران مرتجع احزاب امپریالیست و دول امپریالیستی برای آنها نامه فدایتخوم و پشتیبانی می‌نویسند .

رهبران مجاهدین خلق مناسبات حشمتی با امپریالیستها و مرتجعین سراسر جهان برقرار نموده اند ، دست کفک و پشتیبانی و حمایت بسیاری آنها دراز کرده اند ، در برابر سیاست مداران ارتجاعی امپریالیسم انگلیس ، آلمان و نمایندگان مرتجع سنای آمریکا سر تعظیم فرود می‌آورند ، و در برابر آنها زانو می‌زنند و با آنها تعیین می‌دهند که پاسدار منافع آنها در ایران باشند .

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دشمن سوگند خورده تمامی امپریالیستها و تمامی مرتجعین سراسر جهان است . از تمامی نیروهای صدامپریالیست در سراسر جهان حمایت و پشتیبانی می‌کند ، و برای برانداختن سلطه امپریالیسم از ایران ، کما ملترین برنامه صدامپریالیستی را ارائه نامه است .

رهبران مجاهدین خلق به پیچوجه خواهان بهبود شرایط مادی زندگی توده های زحمتکش ایران نیستند .
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خواهان آنچنان تحولاتی در ایران است که بقدریت درخواستهای عمومی ، رفاهی مردم جامعه عمل بیفتد .

رهبران مجاهدین خلق بنابه گفته رجوی در شماره ۲۱۹ نشریه مجاهد دفاع سیاستمداران ، و سخن گویان مرتجع آمریکا را از مجاهدین بنابه دفاع آنها از آزادی و استقلال ملت ایران قلمداد میکنند .

در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آنها را دشمن آزادی و استقلال ایران می‌شناسد .
رهبران مجاهدین خلق برای جلوگیری از قیام مسلحانه توده های مردم ایران ، که همانا به ویران کردن سراسر این نظام نکبت بار منجر خواهد شد ، برای تزئین آرایش نظام ستمگانه سرمایه داری از توده های مردم ایران می - خواهند که از رژیم خمینی صلح طلب کنند .

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مردم ایران توضیح میدهد که بدون سرنگونی قهرآمیز رژیم جمهوری اسلامی به دست توانای کارگران و عموم توده های زحمتکش ایران نمی‌توان بر یک ملج دمکراتیک دست یافت .
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به مردم ایران توضیح میدهد که این جنگ حاصل منافع ستمگران و استثمارگران طبقات ارتجاعی است . برای دستیابی به یک ملج با دوام باید این طبقات ارتجاعی را برانداخت . به جز سرنگونی قهرآمیز رژیم بدمت کارگران و زحمتکشان ایران بدون سرنگونی بورژوازی ارتجاعی صلح دمکراتیک و پایدار ممکن نیست و صلح ابعانی مجاهدین چیزی جز آنشیرس موقت هبند و بست و سازش برای سرکوب توده ها و ادامه حکومت مرتجعین و زمینساز جنگهای آبی نیست .

آری قضاوت برای توده های زحمتکش مردم ایران نتوار نیست که چه کسانی به توده های مردم ایران پشتیبانت کرده اند چه کسانی به اهداف انقلاب خیانت نموده اند . چه کسانی " متکوک " و خدمتگزار رژیم و ابزار اجرای سیاستهای امپریالیسم و کلیه مرتجعینند .

توده های مردم ایران آنقدر آگاهی یافته اند که عملکرد ، برنامه و ناساتیک مجاهدین را مورد قضاوت قرار دهند .

آنها آنقدر آگاهی یافته اند که ماهیت مناسبات و نزدیکی و اتحاد روزافزون رهبران مجاهدین را با امپریالیستها که سراسر نشریه مجاهد بازتاب آن است درک کرده باشند .

رسوایی رهبران مجاهدین خلق پیش از آن است که بتوانند مردم را فریب دهند ، میتوانند به شیوه برجیب زدن به توطئه علیه سازمانهای انقلابی دست بزنند ، ماهیت اعمال ، رفتار و کردار آنها برای توده های آگاه مردم ایران کاملاً روشن است .

تاریخ تکرار نخواهد شد و توده های مردم ایران دیگر به هیچ شارلاتانی همچون خمینی اجازه نخواهند داد توده مردم را بفریبند . بنام انقلاب و خلق ، عملیه انقلاب و ملق گام بردارد ، و نظام ستمگانه و نکبت بار موجود را حفظ کند .

بقیه در صفحه ۲۷

<p>در این راه ، از سوی رژیم تعقیب میشود پس باید با حفظ رعایت اصول مخفی کاری و امنیتی کار خودمان را پیش ببریم . چه رفتاری گرانقدری در این راه شهید شده اند . ما باید راهنان را ادامه نعیم و ادامه این راه سخت احتیاج به رزمندگی و فداکاری و همبستگی ما دارد . بی شک راهیسی</p>	<p>با تمام . . .</p> <p>بقیه از صفحه ۱۱</p>
---	--

بیانیه مشترک

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دموکرات کردستان ایران

خلق قهرمان کرد

خلقهای سراسر ایران

سازمانها و احزاب مترقی ایران و جهان

رژیم جمهوری اسلامی که بیش از پنج سال است جنگ خانمانسوزی را بر خلق کرد تحصیل نموده است و از هیچ جنایتی برای رسیدن به اهداف خود فروگذار نکرده است. امروز که بن بست تمامی تلاشهای خود را در مقابل ما اراده خلیل ناپذیر ملیت کرد مبنی بر رهائی از قید و بند تنم ملی و کسب حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به غیبه مشاهده نموده و هیچگونه چشم انداز روشنی برای موفقیت در یک چنین جنگ ضد بشری را برای خود نمی بیند و بر هرگونه از کردستان انقلابی مورد سرکات و حملات کوبنده و روزافزون پیغمبران قهرمان خلق کسود توار میگردد. دست به تلاشهای جدیدی برای بستنایی به اهداف خود زده است.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی همانگونه که قبلا نیز به اطلاع همگان رسید دستور تخلیه بیش از نیمی از روستا را داده و اهالی آنها را تهید به ویران نمودن خانه و کاشانه شان کرده و سیاست آنها را یعنی وسیعی از روستاهای مقاوم کردستان را در پیش گرفته است. اما گذشت مدت بسیار کمی آشکار ساخت که این سیاست رژیم تنها به مناطق قبلی (ثالان موسساتی، گورک سرشت) محدود نموده و نخواهد بود. رژیم جمهوری اسلامی در هرکجا که در تنگنا قرار گیرد چنین سیاستی را در پیش خواهد گرفت. کما اینکه اخیرا در منطقه سرخاگان نغد و منطقه پیرانشهر نیز چنین سیاستی را نه تنها به پیش کشیده است بلکه عملی نیز ساخته است.

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در منطقه سرخاگان روستاهای کانی زرد و احمد عمریت را به آتش کشیده و در پیش چشم اهالی روستاها معانه و کاشانه آنها را با خاک یکسان نموده است و به اهالی ده روستای دیگر نیز اخطار نموده است که هرچه زودتر روستاهای خود را تخلیه نمایند. رژیم عین همین کار را در منطقه پیرانشهر نیز با به آتش کشیدن روستای دوله می و تخلیه روستاهای زویان و حزاب عملی ساخته است.

ایجاد جنایت رژیم در تخریب روستاهای فوق نشان میدهد که زندگی بعضی وسیعی از روستائیان کردستان بر معرض تهدید قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی تصور می کند با ویران نمودن این روستاها و آواره کردن اهالی زحمتکش آنها که بیش از پنج سال است علاوه بر اعیان و گلوله باران در زمینان جمهوری اسلامی بار سنگین محاسره اقتصادی رژیم را نیز تحمل کرده اند، میتوانند آنها را بزانو درآورد.

حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بدینوسیله:

- ۱) از کلیه مردم کردستان میخواهند که در مقابل این سیاست ارتجاعی رژیم به مقاومت برخاسته و هرگونه همکاری و همگامی لازم را با کلیه نیروهای انقلابی در جهت مقابله با تلاشهای جدید رژیم بعمل آورند.
- ۲) از خلقهای سراسر ایران میخواهند با تحدید مبارزات خود علیه رژیم جمهوری اسلامی با سیاست تخلیه و تخریب روستاها مقابله نموده و از مبارزات برحق و عادلانه ملت کرد حمایت نمایند.
- ۳) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی سراسر ایران میخواهند که بوظائف انقلابی خود در قبضه حمایت فعال از مبارزات انقلابی - دمکراتیک خلق کرد، عمل نموده با افشای جنایات متعدد و بی شمار رژیم در کردستان و ماهیت ارتجاعی و خدانشانی سیاست اخیر آنها افشا نمایند و فریاد و اعتراض خلق کرد را بگوش تمامی خلقهای ایران و جهان برسانند.

- ۴) از کلیه سازمانها و احزاب مترقی و دمکرات سراسر جهان میخواهند که با حمایت و پشتیبانی هرچه گسترده تر از مبارزات انقلابی مردم کردستان از ادامه این سیاست معانعت بعمل آورده و فریاد اعتراض خلق قهرمان کرد را بگوش تمامی جهان برسانند و بدینوسیله حامیان چنین رژیم دهنشی را در سطح جهان رسوا نمایند و مانع از آن گردند که رژیم بتواند چنین سیاستی را عمل نموده، بعضی وسیعی از مردم زحمتکش کردستان را آواره و بیخانمان نماید.

حزب دمکرات کردستان ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۳۳/۷۲۱

۳۳/۷۲۱

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

ناسیونالیسم ..

بقیه از صفحه ۱۸

رقابت آزاد که خصوصیت اساسی سرمایه داری و بطور کلی تولید کالائی است در رشد خود به انحصارات منتهی می‌گردد . تولیدات بزرگ و تولیدات کوچک را از میدان بدر کرده و تمرکز تولید سرمایه بدانجا می‌برد که انحصار بوجود می‌آید . انحصارها از درون رقابت آزاد بوجود می‌آیند آنها از بیس نمی‌برند بلکه انحصارها (کارتلها منتدیگاها ترنتها) مافوق آن و بموازات آن زندگی مینمایند و بدینوسیله بکلسله تعداد های بسیار حد و پیر شدت و اصطکاک و تعداداتی را بوجود می‌آورند .

۱- سرمایه بانکی در سرمایه صنعتی درهم آمیخته شده و الیگارشی مالی براساس این سرمایه مالی بوجود آمده است .

۲- صدور سرمایه .

۳- انحصارهای انحصاری بین المللی که جهان را تقسیم میکنند بوجود آمده است .

۴- تقسیم اراضی جهان بپایان رسیده .

با توجه به موارد بالا میتوانم تعریفی همه جانبه عرضه دارم : امپریالیسم عبارت است از آن مرحله ای از تکامل سرمایه داری که در آن انحصارها و سرمایه مالی حیات یافت آورده صدور سرمایه اهمیت فوق العاده ای کب نموده و تقسیم جهان از طرف ترنتهای بین المللی آغاز گردیده و تقسیم اراضی جهان از طرف بزرگترین کشورهای سرمایه داری بپایان رسیده است .

با توجه به موارد بالا مشاهده مینمایم که سرمایه داری به امپریالیسم رشد نموده و امپریالیسم عبارتست از مرحله گنبدگی سرمایه داری و آنگاه انقلابات پرولتری این عصر دیر وقتی است که آغاز شده و انقلاب کبیر اکثر بمثابة آغازگر آن عصر فصل نویی در مبارزات پرولتاریای جهان نی گشود . و پرولتاریا را بر تارک دوران نشاند . هرگونه تغییر و تحول در عصر کنونی در جهان از کاناال منافع پرولتاریا ارزیابی شده و تایمی است از مبارزات جهانی پرولتاریا برعلیه نظام سرمایه داری و برفقاری سوسیالیسم .

امپریالیسم در یک سری کشورها عمدتا اروپائی بنظم ظهور رسید در حالیکه قسمت اعظمی از سکنه جهان در مناطبات سرمایه داری و یا در حال گذار به مناطبات سرمایه داری زیست میکنند امپریالیسم اراضی آنها را قلمرویی برای صدور سرمایه و لغارت مواد خام و نیروی ارزان کار درآورد . حق حاکمیت سیاسی آنها را پایمال نمود . ارزشد نیروهای مولد در این کشورها بشبوه کلیمک مسامت بعمل آورد سرمایه داری در این کشورها بحریان طبیعی رشد ننمود نظامات مافیل سرمایه داری باقی ماند هرگونه تغییر و تحول از سوی امپریالیسم و دولتهای

وابسته براساس منافع غارتگران انجام گرفت مبارزات نودها به شدیدترین وجهی سرکوب گردید رویتای مناسبت با این غارتگری دیکتاتوری عربان جلادانی چون حکومت پهلویان و جمهوری اسلامی و بیسویه و حکومتها ی نظامی ترکیه و صبا الحق و غیره مینماید .

در این کشورها وظایف بورژوا دمکراتیک انجام نگردید . پاره ای رفرمهای مداخلتی و متناصب با منافع امپریالیسم و بقصد خواباندن جنبشهای توده ای منجر به پیدایش سرمایه داری وابسته گردید . امپریالیسم در این عصر نه بعنوان یک پدیده خارجی بلکه از طریق سرمایه داری حاکم در هر کشور بعنوان پایگاه داخلی و یا بورژواهای ملاک و فئودال های حاکم و با ترکیب مناسبی از آنها عمل میکرد و میکند .

هرگونه تغییر و تحول انقلابی در این کشورها نمی‌تواند جدا از انقلابات پرولتری در این کشورها و بدون رهبری پرولتاریا در سطح ملی به سرانجام خود نزدیک شود . مبارزه برعلیه امپریالیسم جهانی که بوسیله انقلاب جهانی قابل تحقق است بوسیله سه نیروی اصلی یعنی ، مبارزات پرولتاریای کشورهای امپریالیستی و جنبشهای رها نیخش و اردوگاه سوسیالیسم به پیش می‌رود این سه نیرو به مثابه یک مجموعه دیالکتیکی و پیش برنده تکامل جهانی و طرفدار نفی وطنیه ناسودی امپریالیسم جهانی را بعهده دارند و از میان این سه نیرو در لحظه حاضر جنبشهای رهائی بخش یعنی مبارزات علقهای تحت سلطه امپریالیسم به کانون گرم انقلابات تبدیل شده است . این امر یک پدیده اتفاقی نیست بلکه لنین آنها کشف و به بهترین وجهی بیان نموده . انقلاب در زنجیره امپریالیستی در جایی رخ میدهد که حلقه آن ضعیف تر باشد اینک این حلقه ضعیف زنجیره امپریالیستی کشورهای تحت سلطه هستند .

در این عصر یعنی عصر انقلابات پرولتر ی و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم پرولتاریا محتوای عصر کنونی را تعیین میکند و بر تارک دوران نشسته است .

و بورژوازی بعنوان دشمن طبقاتی پرولتاریا آن نیرویی است که مانع هر نوع تغییر و تحول است . ناسیونالیسم بورژوازی و خرده بورژوازی بمثابة عاملی کند کننده در انقلاب پرولتری محسوب میشود و بورژوازی از آن به عنوان یک حربه برای انحراف مبارزات طبقه کارگر استفاده میکند که با پاره ای از شکل های گوناگون بروز آنها بررسی می‌کنیم .

ناسیونالیسم بعنوان یک اصل مهمیل ایدئولوژیک بورژوازی میتواند به طبقات دیگر سرایت کند و یا حتی بدون وجود طبقه بورژوا مدتها به حیات خود ادامه دهد چرا که تفکر طبقات بدون خود طبقات نامدتها قادر به ادامه حیات هستند . طبقه کارگر نیز دچار این تفکرات و انحرافات که منشا بورژوازی دارند میشود این انحرافات هیچ وظیفهائی بجز خدمت به امپریالیسم جهانی و ضد انقلاب حاکم دربر ندارد . بارزترین شکل ناسیونالیسم بورژوازی در کشورهاست تحت سلطه و انقلابات رهائی بخش هموس در کشوری که پایه چند ملیتی داشته باشد بگونه ذیل عمل میکنند . ما بعنوان مثال کشور خودمان را در نظر میگیریم .

ایران کشوری است با ساختار اجتماعی اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکایی .

سرمایه داری و وابستگی دو جز لاینفک همدیگر میباشد . هرگونه تحول انقلابی باید متوجه این وابستگی باشد . یعنی استقلال و دمکراسی و سوسیالیسم بدون قطع سلطه گری امپریالیسم غیرممکن است . پرولتاریای ایسیران وظیفه پیشبرد انقلاب و سرنگونی رژیم سرمایه داری حاکم و برقراری سوسیالیسم را بعهده دارد .

اندیشه ناسیونالیستی که منافع ملی را بطور عموم بدون توجه به مصلحتی طبقاتی در نظر دارد در واقع دفاع از مناسبات بورژوازی حاکم میباشد بدون در نظر گرفتن این فاصله طبقه کارگر را دعوت به حمایت از رژیمهای ارتجاعی که زینتهای ضد امپریالیستی می‌گیرند نمی‌تواند ، یعنی پرولتاریا را برای حفظ منافع بورژوازی حاکم بسیج می‌کند . این ناسیونالیسم که بوسیله مرتد یعنی مانند حزب توده ضد انقلابی دامن زده می شود به عنوان تبدیل میشود . و در حینک ارتجاعی ایران و عراق جانب بورژوازی خودی را می‌گیرد . برای حل مناسبات اجتماعی چند ملیتی دوخته است که بورژوازی حاکم از اجرای آن وحش دارد . این دشمن طبقاتی که نوکری بورژوازی را پیشه کرده مارکسیسم لنینیسم را از محتوای تهی میسازد و آنرا به قالبهای بی‌آزار و قابل قبول بورژوازی در می‌آورد که حتی برای رژیم جمهوری اسلامی قابل پذیرش نیست به سرنوشت دردناک حزب توده توجه کنید .

ایران کشوری است چند ملیتی شامل ملیتهای فارس ، بلوچ ، عرب ، ترک ، ترکمن ، کرد ، سایر ملیتهای ایران از سوی امپریالیسم و گرایشی ناسیونالیستی بورژوازی فارس تحت سلطه بوده اند ، اما از آنجائیکه این مسئله برای ملیت بلوچ نیز مطرح است روی آن مکتب بندی می‌کنیم .

گرایش ناسیونالیستی ملیت حاکم طرفدار بقا و پایداری امتیازات سوسیالته بورژوازی متعلق به ملیت حاکم میباشد .

این امتیازات که خود را در حیات دولتی و در دست داشتن بوروکراسی نشان میدهد از برسمیت شناختن هرگونه حق ملی سایر ملیتها امتناع میبورد حق تعیین سرنوشت را از سایر ملیتها سلب می‌کند پوشیدن لباس ملی ، تکلم به زبان ملی بیگانه شدن امور و حق مخالفت در سرنوشت خویش را از سوی ملیتهای تحت سلطه نمیپذیرد . ناسیونالیسم سوسیالیستی به عینتگی کارگران ملل مختلف ضربه جسمی وارد میسازد عدم اعتماد و حس بدبینی را در طبقه کارگر و زحمتکشان ملیت تحت سلطه اشاعه میدهد رژیم جمهوری اسلامی حاکمیت سرمایه داران در حال حاضر پاسدار چنین مناسباتی میباشد ، این دولت هرگونه حق ملی را برای سایر ملیتها گناه و جرم و مخالف با اسلام ارزیابی می‌کند .

رژیم سرمایه داران ملیت کرد را که مدت پنج سال است برای ابتدائی ترین حقوق خود قهرمانانه بجای خواسته است بصدت سرکوب میکند . جنایاتی که رژیم ترکستان مرتکب شده فقط با جنایات هینلر در جهان امپریالیسم امریکا در ویسنام قابل مقایسه است و حتی از آن پا را فراتر میبندد ، مجاهدین خلق ایران نیز از این زنگار بلید بورژوازی بدور نمانده و آنها بدک می‌کنند .

ناسیونالیسم...

بقیه از صفحه ۱۹

در برنامه مجاهدین خلق (برنامه دولت موقت) هیچ صحبتی از حق تعیین سرنوشت وجود ندارد و طرح خودمختاری یال و دم بریده ای که مجاهدین عرضه نموده اند نیز بیانگر ابقای امتیارات ویژه ملیت حاکم میباشد . آنها گرچه حق یک ملیت را سگونه ای ناقص مطرح میکنند ، اما در احساس گرفتارناخو - نالیسم بوده و از حقوق سایر ملیتها حرفی نمی زنند . حزب نوده خائن و اکثریت نیز که نهن طبقه کارگر را با خزعلات خود آلوده میارند از حد بورژوازی خارج نشده و خواهان ابقای این امتیارات ویژه میباشند .

در مورد مسئله ملی و زدودن ناسیونالیسم مضاعف در یک کشور چند ملیتی ناسیونالیسم بنحو یارزی آشکار میشود که خود را برحق - بل سیاست پرولتری در مورد حق تعیین سرنوشت قرار میدهد . مارکسیستها موظفند از موضع طبقه کارگر نسبت به مسئله ملی حرکت کنند هر نوع امتیازی را برای هر ملیتی محکوم بنمایند .

نوع دیگر ناسیونالیسم ، ناسیونالیسم ملیت تحت ستم می باشد .

گفتیم که برای تحول بورژوا دمکراتیک و کامل شدن مناسبات کلاسی بر علیه فئودال - لیسم برای اتحاد دولتی سرزمینهایی که به یک زبان تکلم میکنند ، بورژوازی نسبت به مبارزه میزند (دوره اول) اما از زمانی که بورژوازی بجای طبقات ستمگر قبلی نشست و به حد امپریالیسم رشد نمود خود عامل اعمال این ستمگری شد . بورژوازی دیگر هیچ انگیزه ای برای مبارزه ندارد این پرولتاریا است که بر علیه بورژوازی می جنگد هرگونه مبارزه در این امر ستمگیری بر علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی در هر کشور منحصرا دارد . مبارزه با امپریالیسم نمیتواند یک امر مبارزاتی بیرون از مرزهای هر کشور تلقی شود . مبارزه بر علیه امپریالیسم نمیتواند جدا از پایگاه اجتماعی آن در داخل کشور باشد . این مبارزه زمانی پیروز مند خواهد بود که حمایت پرولتاریای کشورهای متروپل را به همراه داشته باشد و طبقه کارگر کشورهای مستعمر و سیل مبارزه بر علیه بورژوازی کشورهای خودی و حمایت از مبارزات پرولتاریا و سایر زحمتکشان کشورهای تحت سلطه است .

استعداد و همبستگی مبارزات انترناسیونالیستی ، اما دیدگاه ناسیونالیستی ملیت ستمگر را یک گامه نموده و وجه تمایز طبقاتی را بهیچ نامی آورد و همچنین ملت خودی را نیز یکسان دیده و وجه تمایز طبقاتی را بهیچ بهانه مبارزه ضد امپریالیستی در نظر نمی آورد . ارتجاعی ترین طبقات را در کنار پرولتاریا قرار میدهد بهمین گونه است در یک کشور چند ملیتی بخصوص ایران ناسیونالیسم ، تمام طبقات را در زیر یک خیمه

گردآوری میکند ، ضمن ستم ملی و طبقاتی که روی آنها ستم روا می رود موجب اقتصادی و سیاسی هیچکدام را در نظر نمی گیرد . عامل وحدت را فقط زبان یا لباس میداند و بر علیه تمام طبقات ملیت حاکم که در واقع فقط بورژوازی ارگان دولتی را در دست دارد اعلان جنگ میدهد خونریز و ملت پرستی را دامن میزند . حتی عدم اعتماد به پرولتاریا و زحمتکشان سایر ملل را تبلیغ می کند به وحدت و همبستگی کارگران بزرگترین طبقه ها را وارد می آورد .

در کشور تشخص ایران سرمایه نمی تواند رنگ ملی داشته باشد این سرمایه ها که بسا هزار و یک رفته مرئی و نامرئی به امپریالیسم وابسته اند در داخل کشور نیز مرزهای ملی را ترسور دیده و یک واحد سرتا - سرتی را تشکیل داده اند ، امروز سرمایه داران را به ترک و کرد و فارس و بلوچ صرفا از روی فاکتورهای روستایی مانند لباس و زبان و نسیبتوان تقسیم کرد آنچه ای که وحدت سرمایه داران را موجب شده و آنها را بسد متقابله یک طبقه سرتا پیروی آورده جوتهای شراری است که از قبیل سرتیج کارگران کشورمان می برند همان سرمایه داران و دولتی که زحمتکشان بلوچ را استعمار میکنند زحمتکشان کرد و ترک و فارس را نیز استعمار میکنند ، مساوی وحدت کارگران ایران رفع استعمار شدیدی است که از سوی حکومتی است که عامل استعمار کارگران نیز میباشد . وظیفه نابودی سرما - به داری بهیچ پرولتاریای انقلابی میباشد پس هرگونه رهائی ملی بدون ستم با این حکومت عامل ستم ملی و بدون اتحاد با پرولتاریا و بدون پذیرش برنامه مبارزاتی پرولتاریا و بدون رسیدن به جمهوری دمکراتیک نیک خلق عملی نخواهد بود . اما ناسیونالیسم تنگ نظر که با رد فاصله های طبقاتی بدون آشکار نمودن مواضع هر طبقه ارتجاعی ترین طبقات را در کنار پرولتاریا قرار میدهد به موضعی فوق العاده ارتجاعی سقوط میکند و همین دیدگاه می تواند عاملی برای بهره برداری و سوبجوشی امپریالیستها و سایر حاکمان مرتجع در مواقع سرنوشت ساز باشد . ناسیونالیسم به جدائی ملی دامن میزند در کنار خوانین مرتجع و امپریالیستها قرار میگیرد .

در بلوچستان به علت ضعف نیروهای دولت و عدم رشد و شکل گیری بورژوازی و عدم شکل گیری جنبش بورژوا دمکراتیک در پروسه تاریخی طیعا ناسیونالیسم نیز ضعیف میباشد اما نفوذ ناسیونالیسم فوق العاده ارتجاعی حاکم در کشور همچوار پاکستان و فرامناسی از تمسک کردهای بلوچستان پاکستان به کشورهای مرتجع عرب در اتحاد نزدیک با خوانین ناراضی در پی مطامع سران مرتجع عرب قرار گرفتند و بخصوص بعد از سرنگونی حکومت پهلوی و قرار سلطنت طلبان و سرور جنک ایران و عراق عناصر بیشتر به جبهه تحریر بلوچستان که تشکلی است فوق العاده ارتجاعی و وابسته پیوستند ، این جبهه

خائنین با مدجوشی از اسکنات فوق العاده فراوانی که از سوی امپریالیستها و حاکمان مرتجع عرب دریافت میدارد ، مواجبتی و سلطنت طلبان و عده ای از بلوچهای نا آگاه و روشنفکران خود فروخته را فریخته با چنگ اندازی به ناسیونالیسم و دفاع از ملیت بلوچ در پی مطامع کثیف اربابان خود هستند ، آنها امروز شعار پرزرق و برق و انحرافی جدائی بلوچستان و تشتی با فارس را سر میدهند ، او با نیروهای که سرنگونی رژیم سرمایه فاری و وحدت کارگران و زحمتکشان را وظیفه خود میدانند به تشتی برخاسته اند اتفاقی نیست که میرمولاداد خائن و کسی که تا گلو درلجنزار حکومت پهلوی غرق بوده است و از رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ امنیت سرمایه داران در منطقه اسلحه دریافت داشت امروز که در پی افکار گریبا و مبارزات نیروهای مترقی قرارید تشکیلات وابستگی نیروهای مترقی را به فارس نسبت میدهد ، این در حالیست که وی در غیاب خلق بلوچ آنها را به بختیار و رسای خائن و جبهه تحریر و امپریالیسم یکجا میفرستد . او نیروهای مترقی و هواداران سازمان را متهم به وابسته بودن به فارس مینماید تا زحمتکشان بلوچ را بفریبد و دلازه و الحاحهای بیخفصوری از امپریالیستها دریافت دارد . عاقلان اینک زحمتکشان بلوچ بعینه در می یابند که هیچ راه نجاتی جز مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داران وابسته ضد انقلاب غالب و مغلوب و خوانین و جبهه تحریر و اتحاد با زحمتکشان سایر ملل به رهبری طبقه کارگر ایران وجود ندارد .

جریاناتی از قبیل جبهه تحریر و عناصری مانند میرمولاداد امروز کارگزاران امپریالیسم و وابسته به محافل ارتجاعی امپریالیستی هیچ وظیفه جز نوکری امپریالیسم و ضدیت با انقلاب پرولتری را ندارند انقای ماهیت وابسته این جریان و طبقه هر انقلابی است .

نمود دیگری از ناسیونالیسم ملیت بلوچ که می تواند وجود داشته باشد . هرک ناقصی است که از رهائی ملی و طبقاتی این خلق خمیدگی می تواند بروز کند این ترک - تمام افرادی را که لباس بلوچی بتن دارند و با زبان بلوچی تکلم میدارند بدون در نظر گرفتن موقعیت اقتصادی ، انگیزه های سیاسی و وابستگی تشکیلاتی جز نیروهای میباند که میتوانند در جنبش برای رفع ستم ملی شرکت کنند . و از این دیدگاه همه را در زیر یک خیمه بنام تشکیلات محلی یا ملی میخواهند گرد بیاورند بحال بینیم که چگونه میتوان رفع ستم ملی نمود .

رهائی ملی بدون درهم شکستن عامل اصلی پیشرنده ستم ملی امکان پذیر نیست ، سدی که جلوی رشد و اعتلای مبارزه طبقاتی و تکوین تحولات انقلابی و اجتماعی را در درون ملت تحت ستم مسدود ساخته همان نظام منفوری

بقیه در صفحه ۲۱

زندانی سیاسی به قدرت توده ها آزاد باید گردد

اخبار

زاهدان - مهرماه :

فردی به اسم نبی بخش -الارزهی از زاهدان عازم میرجاوه بوده وی در پانزده کیلو متری زاهدان باز سوی مزدوران رژیم بصریب گلوله کشته میشود . مزدوران دولتی به بهانه جستجوی قاچاق این فرد زحمتکشان را میکشند این در حالی است که حاجی بهرام خاشن و مسئول کمیته زاهدان یکی از بزرگترین قاچاقچی فروشان مواد مخدر است . و اینک رژیم با طرحی که در دست دارد به بزرگترین قاچاقچی فروشان نامین جانی میدهد . اما زحمتکشان را به جرم راهی قاچاق فروشی از زندگی محروم میکند .

خاشن - :

در تاریخ ۴ مهرماه و اواسط هفته جنگ نماینده سرمیرده حمینی بهنام عبادی خاشن جهت دیدار و بازدید به پادگان و تیپ خاشن میروید . در غیاب فرمانده تیپ و معاون فرمانده شیخ ویسی سردی از عبادی استقبال می کند . وقتی که عبادی پشت تریبون قرار میگیرد و سربازان را تشویق به رفتن به جبهه ها می نماید سربازان بدون رغبت به حرفهای وی گوش میکنند و فقط عده ای از سربازان شعار جنگ جنگ تا پیروزی را تکرار میکنند . عبادی خاشن که از عدم استقبال بیست منقلب میشود معاش را بقصد زاهدان ترک گفته و جز بیان را به سران ارتش در زاهدان گزارش می نماید . دو ساعت بعد حکم بازداشت شیخ ویسی صادر و از آن تاریخ در لول انفرادی زندانی و ممنوع الملاقات میگردد . این عمل موجب ناراضی سربازان و عکس العمل آنها بگونه ناسزا گفتن به عبادی میگردد . ناگفته نماند که شیخ ویسی زابلی بوده و کینه زابلیها از عبادی به جریان انتخابات مجلس بر میگردد . که زابلیها از عبادی کینه و نفرت در دل دارند .

زاهدان - تاریخ ۱۳/۷/۸ :

کمیته چپهای مزدور در چهارراه چکنم زاهدان به دو دختر مشکوک میشوند و آنها را برای تشخیص هویتشان به کمیته فرامیخوانند . دختران با عجاجت و جارت تمام از رفتن به کمیته سرباز میزنند و شروع به افداگری علیه وضع موجود و فشار حاکم میکنند . این عکس العمل دختران مورد حمله و توسیع مردی که هر لحظه به تعدادشان افزوده میشد گردید و تودهها با حمارکشدن

دور دختران به کمیته ایها اجازه نمی دهند تا دختران را به کمیته ببرند . مزدوران کمیته ناکام و دستاز پا فرازتر در مقابل حمایت مردم از دختران ، غرولندگنان از محل دور میشوند .

زاهدان :

تودهها از جنگ بیزارند . هفته جنگ با شکست مقتضی روبرو گردید . با اینکه رژیم تبلیغات وسیعی به راه انداخته بود و در دیوار شهر زاهدان را پر از تهاویر حمینی و شعار کرده بودند ، اما هیچ استقبالی از آن نگردید ، بلکه نفرت تودهها از جنگ بیشتر میجد . تعداد زیادی از تهاویر حمینی پاره پاره و چشم تعداد زیادی از تهاویر بزرگ حمینی تراورده شده بودند . خیلی از شمارها پاک شده بود . تودهها از نمایندگانهای رژیم استقبال نکردند عده معدودی که به نمایندگانه آورده شده بودند که برورودار عده بودند . از سوی هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شمارهای علیه حکومت و علیه جنگ در چندین نقطه از شهر زاهدان بخصوص حوالی استادیوم ورزشی (محل تجمع ورزشکاران) ۴۰ متری نگوی کارگران و معرب آباد خسته شد .

سراوان :

مزدوران سیخی و کمیته ای با همکاری چند نفر از وابستگان خود در روستای پخشان باصطلاح " کمیته امنیت " درست کرده اند و محل شهر سراوان را کنترل میکنند تا " اغرار و آنهائی که میخواهند از راه سراوان از مرز خارج شوند راستگیر نمایند " در تاریخ ۱۳/۷/۱۵ حدود ساعت ۱۰ یکی از زحمتکشان پخشان از این محل عبور میکند . مزدوران وی را بعد از بازرسی بدنه تی شتوال بیج می کشند ، فرد زحمتکش از وقت و حق و پیرونی کمیته ایها به تنگ می آید و با نواختن یک سیلی آبدار به گوش یکی از مزدوران نفرت و کینه خود را از جمهوری اسلامی بیان میدارد و با عجاجت تمام به راه خود ادامه میدهد و از محل دور میشود . مزدوران کمیته ای با یک خود روی پر از افراد مسلح بدر خانه فرد زحمتکش میروند ، وی را دستگیر و زیر شکنجه میگیرند . صبح روز بعد نامبرده را به دادگاه انقلاب ایرانشهر اعزام میدارند ، تاکنون از سرنوشت وی خبری درست نیست و تلاش بستگان وی نیز به نتیجه ای نرسیده است .

سراوان :

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که زمانی از سازمان اطلاعات ۳۶ میلیونی دم میزد ، به میزانی در میان تودههای زحمتکش پایگاه ندارد که به لبینها و فاسدترین افراد متوسل شده است . پسران مزدور سیاهانی که کارشان تجاوز به ناموس مردم - اشاعه فساد و بانی ذنیع ترین کارهای ضد انسانی هستند ،

از سرناس ترین عنصرهای این رژیم در شهر سراوان میباشدند ، در اوایل مهرماه یکی از پسران سیاهانی بهرام دو نفر کمیته ای به یکی از زنان زحمتکش بلوچ منطقه سیاهان مزور تجاوز میکنند و سپس فرار مینمایند ، پس از برملا شدن این رسوائی رژیم محسوس میشود که وی را تحت نظر بگیرد و به وی احاطه دهد تا مدتی به ماموریت برود .

زاهدان - اقدامات رفاهی رژیم :

بندبیل ورشکستگی اقتصادی رژیم و سبب شدن خزانه رژیم نسبت به حیللهای نویبتزده است . مامورین دولت به انجا گوناگون بهانه انفاالت کوچیها چندین برابر زمان ان شاه از مردم پول میگیرند حق اشتراک آب و برق و تلفن رانه چندین برابر افزایش داده اند حق اشتراک تلفن از ۴ هزار به ۱۴ هزار تومان افزایش پیدا کرده است محال اینها است که همه این احقات تحت عنوان اقدامات رفاهی صورت میگیرد .

پیروزی جاسوسان :

طبق اطلاعات موقی سیاه پاسداران طرحی سربری را تحت بررسی دارد که بموجب آن همه برمود با گروههای سیاسی در منطقه به اثر اد ویژه سیاه آموزش اطلاعاتی و حاسوسی بدهد . همین مناسبت طی فراخوانی در مهرماه از طرف سیاه زاهدان به واحد اطلاعات شهرهای ایرانشهر سراوان میا بهار و زابل و خاش جهت یکدوره آموزشی از آنها خواسته شده تا حضور بهم رسانند . در همین رابطه جهت ابقای نقشی در حوادث بیم پشت تعدادی از اطلاعات جریهای سیاه ایرانشهر به سراوان رفته اند .

زاهدان :

وحشت رژیم از گروههای سیاسی و روی آوری تودهها به عمل انقلابی روز بروز بیشتر میشود . اخیرا از سوی " حفاظت " (بخوان ساواک) ادارهها دستورالعملی سری و محرمانه به تمام ادارات دولتی فرستاده شده است . مضمون آن چنین است : " طبق اطلاعات موقی هنوز هم بقایای گروهکهای ضدانقلاب در ادارات فعال بوده و همیشه در سر و ماجراجویی میکنند . شمار می نویسند و نقش می دهند ، ناراضی تراخی میکنند ، وظیفه مفسد انجمن های اسلامی و بقیه کارمندان است که باید در شناسائی و معرفی عناصر خرابکار به مسئولین ادارات و سازمانها کوشش بعمل آورند : مفاد این دستور بخوبی نشان میدهد که ناراضی بویژه در میان اقدار کارمند در ادارات روبرو رعد است فضای رعب و وحشت و هراسی که رژیم بوجود آورده بود نتوانسته آرامش مطلوب و دلخواه رژیم را تامین کند . بگذریم از اینکه رژیمهای مانند جمهوری اسلامی ضیف تر از آن هستند که سازمانهای سیاسی را نابود کنند .

بقیه در صفحه ۲۴

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سراوان - ۳۳/۷/۲۰

روستای اسپنج - مزدوران رژیم مهت...
مجمع آوری کنگهای مائی و نعدی و غیره برای
حکارت نظامی به این روستا رفته و در نماز
جماعت روز جمعه نیز شرکت می کنند بعد از
انجام نماز یکی از مزدوران بالای میبردند
و مردم را تشویق به دادن کمک به جبهه ها
می نمایند . مردم که کوشان از این چرتندیات
پر استیبه سخنان ناطق هیچ توجهی ننموده و
راهی خانه های بنان می شوند . گدایان جمهوری
اسلامی خجلت زده محل را ترک میگویند .

سراوان - ۳۳/۷/۱۵

نمایشده جدید خمینی جنایتکار جهت
رنگ و ذوق امور و تعقیب توده ها به سراوان
وارد میشود . از آنجا تیکه بین فرمانداران
یکسو و سپاه و کمیته از سوی دیگر تضاد و
درگیری وجود دارد باز این نماینده امام
عبادان بجویی استقبال نمیشود . و هر کدام
مستولمت حفاظت نمایند امام را به ارگان
دیگری پاس میکنند . فرماندار می گویند
مشتمسی تواند منزل مگرونی مناسبی جهت
زندگی در اختیار نمایند امام قرار نهد .
این برخورد سرد باعث میشود که نماینده
جدید خمینی بعد از یک روز شهر سراوان را
با خشم و غضب و ناراحتی بعد تهران تشرک
گردد .

قصرقند - ۳۳/۷/۲۷

در " هیت " یکی از روستاهای نزدیک
قصرقند زحمتکشان بلوچ طی مراسم ازدواج حلیف
فرزند خود اقدام به برپایش جشن و سرور
میکنند . پاسداران به این بهانه به روستای
ی مذکور حمله نموده و مراسم را بهم میزنند
و جشن گیرندگان را دستگیر می نمایند .

قصرقند - ۳۳/۷/۲۸

بمش از ۵۰ پاسدار و سرپرده محلی شب
هنگام به روستای مزبور آباد (اول شب) جهت
دستگیری ۲ نفر از زحمتکشان با اسمی نظر محمد
فرزند داد محمد و خدا بخش فرزند گهرام حمله
میکنند . پاسداران روستا را بمحاصره
در آورده و بمحضر روشن شدن هوا ز میدان شدن
مردم اقدام به دستگیری اهالی و بستن چشم
و دستهای آنان مینمایند که از جمله آن دو
نفر نیز دستگیر می شوند . وقتی که پاسداران
میخواهند دو نفر را با خود ببرند زنهای
شجاع و دلیر بلوچ مقاومت نموده و بند از
دستهای نظر محمد می گشایند . پاسداران بسا
قتدای تفنگ به زنان حمله می نمایند نظر محمد
موفق به فرار میشود . پاسداران که تمام
روستا را در محاصره داشتند با اخله به

نظر محمد حمله می کنند ولی نظر محمد کشته
الحدای در اختیار نداشتند با برتات سسک
سوی پاسداران از خود دفاع مینمایند . نظر
محمد مورد اصابت یک رنگار گلوله پاسداران
فرار میگردد و در دم کشته میشود و دامادش
خدا بخش را نیز همانجا زیر ضربات مت و لگد
و قندان تفنگ له کرده با خود میبرند .
اینست اعمال تنگن گس حکومت جمهوری اسلامی و
اینست مقاومت زحمتکشان شجاع . کشته شدن
آری اما تسلیم هرگز!
نا گفته نماند که شناسائی روستا
و راهنمایی پاسداران بعهده فرزندان شکر
زین الدینی بوده است که از دو روز قبیل
بفلور مرتب آنها رفتو آمد نموده و هر چیز
را زیر نظر داشته اند . در محاصره روستا
فرا فرزند شکر و کریم خان نظر زهی خاسوس
خود مرده و ۱ نفر از افرادش ترک کسبست
داخته اند .

۳۳/۷/۸ تهران - معابرات : با توجه به
ایفک معابرات اعلام نموده که جز اولین ادا-
ره هائی است که از نظر بونجه به خود کفائی
رسیده است . اما در آخر مردادماه به همه
کسانی که اضافه کاری کرده اند فقط ۲۰۰۰ تومان
حق اضافه کاری داده اند ، کسانی هستند که
در حین ماهوریت اضافه کاری انجام داده اند و
اضافه کاری آنها به ۵۰ ساعت میرسد که مبلغ
آن خیلی زیاد می شود . در قسمت نظارت بر
شیکه و حفر کابل معابرات اعلام شده که از
۱۵۰ هزار تومان بونجه این قسمت فقط ۲۵۰۰۰
تومان موجود می باشد و از بقیه اطلاق فرست
نیست .

۳۳/۵/۲۷

بخش دیلم از توابع بوشهر حدود یکماه
پیش مردم دیلم در اعتراض به وضع بد آب و
برق و امکانات رفاهی (نبودن بیمارستان دا
دارو ، دکتر و ...) جاده اصلی را بسته و در
وسط جاده تجمع کردند که بغافل از زمانی کوتاه
کوتاه کامیونها و تریلرها در دو طرف جاده
متوقف شده و راه بندان عظیمی ایجاد می شود به
پاسداران مستقر در نواحی گناوه و هندجیان
اطلاع داده میشود و سپاه از دو طرف مردم را
در محاصره می گیرد وقتی با مقاومت مردم رو-
برو می شود بروی آنها آتش می گشایند . فرآین
درگیری بنانه گفته عده ای چند نفر کشته و -
مجروح میشوند که بعد از این حادثه مردم به
تفریح محل را ترک می کنند .

۳۳/۷/۱ بوشهر :

بدنیال اینک در بندر بوشهر عمدتا کله-
لاها را به کامیونها دولتی میدادند چسبون
شرکت حمل و نقل و سازمان گسترش تحت پوشش و
وزارت صنایع سنگین اقدام به وارد کردن تری-
پلی و کامیون نموده و از طریق نفوذی که
دارند بدون تویت بارها را به ماشینهای
متعلق به آنها میبندند و معمولاً کامیونها و
تریلرهای که بفلور آزاد به بوشهر میروند
باید حدود ۲ الی ۳ روز در تویت بخواهند تا
بار به آنها برسد . لذا از روز ۳۳/۵/۲۷ کله-
میونداران و تریلی داران تورم جمع شده

و به این شکل تحویل و تقسیم بار اعتراض -
میکنند که در روز ۳۳/۵/۲۸ حرکت آنها منجم
نده و بشکل یکپارچه فرمی آید رانندگان معتز-
می تهدید کردند که اگر قبل از بررسی وضعیت
آنها کامیونها سازمان گسترش و یا هر کاس-
میون دیگری بخواهد با بار از بندر خارج شود
آنها آنها خواهند زد که در این رابطه پلیس
راه از ترس اینکه ممکن است تهدید راننده ها
عملی شود ، لذا به هیچ کامیونی حق خروج
نمی داد . تا اینکه خبر به تهران معایر شد
چند نفر نماینده از طرف سازمان گسترش به -
بوشهر رفته و با استاندار و فرماندار و شهر
بانی رئیس ترمینال به بحث نشستند و قرار
شد که از این به بعد بارها در ترمینال -
متخصی شود و به تویت بدون امتیاز خاصی بعین
همه رانندگان تا روز ۳۳/۷/۱ ادامه داشت و
با پیروزی رانندگان پایان یافت .

۳۳/۵/۲۰ حوالی ۱۳ مرداد در پاسدار به
یکی از گیشه های فروش بنیط در ترمینال جنوب
نزدیک بند با نشان داین عکس و متعصبات بعضی
از فروشنده بنیط می پرسند آیا چنان شخصی را
دیده است یا نه ، فروشنده میگوید نه و کسی دو
نفر آنها نشسته اند که مشکوک است نظر مورسند و
دو نفر را نشان میدهد . با آنکه حدود ۱۰ نفر
این اتفاق افتاده تا ساعت ۲ بعد از ظهر دو
نفر به دستگیری نزد مریور شده بودند .

۳۳/۵/۲۸ حدود یکماه پیش در بیمارستان
ن صنایع نظامی واقع در سلطنت آباد از طرف
صیاد شیرازی الطغیبه ای علفی خطاب به درجه -
داران و سایر ارتشیان صادر شده بود که در آن
سخن دلجویی از آنها در مورد عدم افزایش حقوق
ی و مزایا و فراهم نکردن امکانات رفاهی علت
این امر را نه مسامحه خوش بیلکه وضع خراب
دولت و شرایط جنگی دانسته بود .

۳۳/۵/۲۸ حدود ۲ هفته پیش الطغیبه ای
در این یادگان پختی شده که در آن تویسج داده
شده که چند نفر پاسدار (یا یا بنابر پاسدار
ی در دست معلوم نیست) بخانه ای رفته و آن جا
نه را غارت می کنند در این الطغیبه از ارتشها
خواستار شده که دقیقاً مواظب باشند تا این -
تفاق برای آنها نیفتد .

۳۳/۵/۲۸ اهلبان : رجمو رئیس دانشکده
پزشکی فردی کاملاً حزب الهی است و در بیمارستان
نهای وابسته به دانشکده می گردد و اگر پرستار-
رانی را با آرایش بیبیتد آنها را تویسج میکند
او کاملاً به آنها نزدیک شده و ضمن خیره شدن
به چهره آنها از آنها می پرسد که آیا عیب قیل
ریمل زده اند و یا آرایش کرده اند و آنها را
تهدید می کند که اگر آرایش کنند از کار اخرا-
ج می شوند . این فرد همچنین یکی از استادیار-
های دانشکده را با وجود زن و بچه مجبور به
ازدواج با فرد دیگری می کند .

بقیه در صفحه ۲۵

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق

اخبار

بقیه از صفحه ۲۴

روز سه شنبه ۱۳/۷/۶ گروهی از ماموران کمیته و شهرستانی بسمراه چند دستگاه خودروی سواری و وانت جهت جمع آوری و برچیدن بساط دستفروشیهای میدان مقدم (فلاح سابق) بمنطقه هجوم میبرند. به قاصه کوناهای زحمتکشان منطقه و دستفروشیها و دکه داران و باسالیها جمع شده و در حالیکه ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر میدند متعاقباً بمقابله با مزدوران برخاستند. گروه اعزامی شهرداری که افراد مسلح هم بینشان بودند به پانزده نفر بالغ میشدند. مورد حمله زحمتکشان قرار گرفته و شدت مشروب موگرددند بعدی که سختی خود را از منطقه دور میکنند. ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز رژیم خونخوار حاکم که ضربت نودهها را نوش جان کرده بود بهای یورژی بی سابقه و فایستی منطقه را بمحاصره فرآورده و با استفاده از نهها مزدور سپاه و کمیته و بسیج بجان و مال مردم میافتند. در این یورش وحشیانه مزدوران تمامی مردم اعم از کاسب و رهگذر و دستفروش زن و مرد و کودکی را بجزیر ضربات مشت و لگد و هرچیز در دسترس دیگر قرار داده وعده زیادی را مجروح و مدموم نموده و تعداد زیادی را دستگیر کرده و بسا خود میبرند. زحمتکسانی که در این حمله و حشبانه دست یافتگاری میزدند شدت مشروب می خندند. زحمتکش ۳۰-۴۰ ساله او با ضربات کارانه مزدوری از سپاه چنان غافلگیر شده بود که بر اثر شربه به گردن حتی زمانیکه وی را به داخل ماسین دستگیر شدهها نشانده بودند همچنان از درد بخود می پیچید زن زحمتکش که یکی از نزدیکان نری (فرزند یا شوهر) دستگیر کرده بودند بدنیاال ماسین سپاه می دوید و تمام سران رژیم را به باد فحش گرفته بود. این زن زحمتکش آنقدر بدنیاال ماسین دوید و فحش داد که سپاه او را هم دستگیر و بداخل ماسین انداخت زن زحمتکش دیگری که در مقابل مزدوران مقاومت کرده بود و به رژیم فحش میداد در حالیکه مزدوری موهای او را گرفته بود و او را روی زمین می کشید بداخل ماسین برد. در این یورش وحشیانه تمامی اموال و اجناس باسالیها و دستفروشیها را با حدود چهار دستگاه کامیونویکی دو وانت نیسان با خود بردند. زحمتکشان که بارها و بارها تاکنون چهره مزدوران رژیم را دیده اند هایشیار نیز در پی سخنان "گهربار" رهبر جنایتکار جلادان در حمایت از بازاربان و تبار و سرمایه داران دیدند که حمایت از مستضعفین به چه معنی است.

رژیمی که دیروز کارگران فهلمان کانا داد برای را بعون کنید امروز زحمتکشان میدان مقدم را مورد هجوم قرار داد. کارگران و زحمتکشان بیبتمان دشمنان مشرکی دارند که در رأس آنها رژیم سرکوبگر و مشدبتری جمهوری اسلام می فرار دارد. کارگران و زحمتکشان نیز باید در مقابل دشمنان مشرک خویش متحد باشند.

۱۳/۵/۲۴ : بندر ماهنهر
حدود ۲ تا ۳ ماه پیش یک آخوند برای ارماد چند زندانی (سیاسی) وارد زندان میخورد. ضمن انجام این کار بر سر مسئله ای به آنها توهین می کند که این امر غم زندانیان را برانگیخته و هنگی بر سر او ریخته و کتک مفصلی به او میزنند که بعد از آن همه مجازات میخوند و به زندانیان انفرادی فرستاده میشوند.

۱۳/۵/۲۵
حدود ۱ تا ۲ ماه قبل در کارخانه پرو- فیل نیمه شب یک یکنی از کارگران بسا سرپرست برخوردی بیبسی می آید. پس از این ماجرا در نماز جماعت آن کارخانه امام جماعت بطرفداری از سرپرست میگوید که هیچ کارگری حق ندارد با سرپرستش جروبحث کند و جواب او را بدهد. یکی از کارگران حاضر در آنجا به این حرف اعتراض می کند و میگوید " که بعد او بین دو نفر دیگر بوده و حوشان حل می کنند " سپس خطاب به امام جماعت میگوید تو چرا سوی این دعوا از سرپرست دفاع می کنی پس چرا از کارگر دفاع نکردی عاید حق یا او بعد " در مقابل این عمل سایر کارگران حاضر در جمع نیز از کارگر مذکور دفاع می کنند و سرپرست مذکور که کارگر را تهدید به اخراج نموده بود عقب نشینی می کند.

۱۳/۷/۵ - نازی آباد تهران
ساعت ۴ بعد از ظهر ۲ ماعین از افراد سپاه قصد دستگیری زنی را داشتند که رعایت حجاب اسلامی را نکرده بود و مردم در محصل جمع شده و زن مزبور از رفتن امتناع میکند. دو ماعین گشت دیگر به محل آمده و آنها هم با دستگیری زن مخالفت می کنند که منجر به تیراندازی بین افراد سپاه میخود که در این بین زن مزبور فرار می کند مردم حاضر از گدشتیهای که با دستگیری زن مخالف بودند حملت می کنند. این درگیری ۱۵ دقیقه ادامه یافت.

۱۳/۷/۵ - خیابان جام جم پارك ملت
ساعت ۸/۵ شب دوشنبه ۲ ماعین گشت ناز- الله جلوی پارك توقف کرده و پاسداران از ماعینها پیاده شده و وارد پارك میخوند و بعد از يك گشت کامل در پارك ۷ تن از پسرها را بعلت پوشیدن لباس تنك دستگیر می کنند و با خود میبرند.

۱۳/۷/۷ - تهران
در پی اعدام حبیب عیبری بازیکن تیسلمی و تیم فوتبال هما در زندان اوین تعدادی از بازیکنان تیم ملی مجلس غنی برابسی برگزار می کنند که رژیم پی به جریان برده و تعدادی را دستگیر می کند که در میان آنها عبدالملی چنگیز بازیکن تیم استقلال بوده است.

پس از انتصاب ری شهری به وزارت الاملا- مت او ضمن دعوت محرمانه از ساواکبهای مختص دستگاه های کامیونتری ساواک را بکار انداخته هر ضمن از هواداران حزب توده در تشکیلات تلویزیون که خود را به رژیم معرفی کرده بودند خواسته است که در تاریخهای -

خاصی به فاستانی سفر در اوین مراجعه کنند. آنها پس از هر کردن فرمی و دادن تمهید در مورد عدم فعالیت آزاد میخوند گفته میشود که این افراد توسط مرکزیت حزب در تلویزیون لو رفته اند و اکثر آنها در حد طر- قدر بودند.

در مورخه ۱۳/۵/۲۴ در میدان هفت حوض نارمک دختری که از خرق میدان در حرکت خود بخاطر عدم رعایت مسئله حجاب با پاسداران ان درگیر میخود و کار به زدو خورد خونین بین او و خواهران گشت بازها و گشت امر به عروف کشیده میشود و چون دختر به فتنون کاراته آشنا بود. زنان حزب الهی را بجزیر شت و لگد می گیرند. پاسداران ناچاراً بسا تناعای نیروی کمکی از مسجد نبی موفی میخوند او را دستگیر کنند و با حوشان میبرند.

۱۳/۷/۶ - آذربایجان عرمنی
حدود ۱ تا دو هفته پیش بختنا ماعی به کلیه کارخانه های بزرگ ارسال شده که بموجب آن بایستی کلیه کارگران پیمانای اخراج شوند.

۱۳/۷/۶ - کارخانه مینو (هرمدره)
ببانه کمبود مواد اولیه تمدادی از کارگران را بالجابار و علیرغم مقاومت کارگر- ان به بعضی خدمات منتقل کرده اند.

۱۳/۷/۸ - تهران : تقاطع آزادی و نواب
ساعت ۵/۵ بعد از ظهر يك ماعین گشت کمیته و ۱ الی ۵ ماعین سپاه چهار راه را در اختیار گرفته و ۷ نفر پاسدار از سمت جنوب بی خیابان پست چرخ ترمز را گرفته و ماعین ها را کنترل می کردند. ساعت ۴ بعد از ظهر همین روز همیدان توحید چنین وضعی را یافته کلا در هفته اول شهریور در تقاطع مختلف شهر پاسدارها و کمیته بیبا بین شکل عمل میکردند.

دروغ

بقیه از صفحه ۸
مولاد نیز پرداخت میشود که وی يك دلار به کسی نمیدهد.
آری اینست کارنامه اعمال خوانین- ندانقلابی و زالو صفت ماین نیرنك بازاران و منحصمین دروغ داعیه رهبری را در سر میبرند و رانند بگذار خوانین و سلطنت طلبان به فریب و کلاهبرداری از همدیگر مشغول باشند، بگذار این ارتجاعیون دستگاه های کارخانجات دروغسازیشان را مدرنتر کنند اما زحمتکشان بلوچ در هر طرح و پوششی در هر لباس پسر زرق و برقی که خوانین پنهان شوند اینتنک ماهیت دلال و نیرنك و فریب و راستی و جاسوس و آدمفروش آنها را دریاخته اند. دیر نیست آنروز که تمام خائنین در دادگاههای خلقی محاکمه و بسزای اعمال ننگینشان بریند دیر نیست آنروز که طبقه کارگر و سایر زحمتکشان با فریادهای کوبنده بیبا بیزند و رژیم جمهوری اسلامی را درهم بریزند و جمهو- ری دمکراتیک را بپا دارند.

در درجه اول اهمیت قرار دارد. مسئله ملی در ایران نیز باید در این مرحله تاریخی مورد بررسی قرار گیرد. چرا ملت کشور پیدتاز مبارزات ملی است ولی در ملیت بلوچ مبارزه متشکل و پرمناهی در طول تاریخ ستمگری ملی به چشم نمی خورد. بررسی مسئله ملی بطور کلی در حیطه وظایف سازمانی است سرتاسری و پرولتری که در پیشاپیش همه برای وحدت پرولتاریا ایران و رفع هرگونه امتیاز برپایه ملیت مبارزه میکند (رجوع شود به آثار سازمان چریکهای فدائی خلق در این مورد) اما در مورد مسئله خاص بلوچستان تا جائیکه امکانات اجازه میدهد جنبه های گوناگون آنرا میسازیم.

استقرار سرمایه داری وابسته در ایران در پی رفرهای ضدانقلابی نفع چهل که از سوی امپریالیسم بمنظور جلوگیری از گسترش جنبش توده ای و برای حصول نیروی ارزان کار و مدور سرمایه بیشتر به ایران و بطور کلی غارت و چپاول خلقهای ایران صورت گرفت. بسط مناسبات سرمایه داری در ایران ناموزون مسلط گشته است و بدلیل رشد ناموزون سرمایه داری ترقی اجتماعی و تکامل نیروهای مولد در بین ملیتهای تحت ستم ایران نیز متفاوت است و مبارزه برعلیه ستم ملی نیز در یک سطح نیست. در بلوچستان یک خودبزرگی وجود دارد که در سایر ملیتها کمتر چشم میخورد و آن اینکه بورژوازی تجاری بلوچ بنا بر بورژوازی فارس کاملاً نهم آمیخته و در صف هموارکنندگان راه ستمگران ملیسی درآمد است. چه از لحاظ ترکیب سرمایه ای و چه از لحاظ فرهنگی که بخود گرفته است و تضاد ایندو آنتاگونیسم خود را از دست داده است. اگر ایندو تضاد و اختلافاتی داشته اند، آنقدر عمیق نبوده که مبنای حرکتی ملی باشد. این تضاد عموماً در جهت بدست آوردن مقاماتی در دستگاه بوروکراتیک بوده و حل گشته اند. مثلاً هوندنگ ریگی بدولت اعلان جنگ میدهد و باغی میگردد اما بعد از اینکه بمقامی میرسد سازش نموده و بسه نتاگوی رژیم بدل میشود. و با حزب اتحادالمسلمین که در پروسه قیام بوجود آمد و هسته مرکزی آن از بوروکراتها و نمایندگان بورژوازی تجاری بلوچ تشکیل شده بود، اصلی ترین وظیفه خود را نجات رژیم شاهنشاهی قرار داده و پراشتزی نبیز باز نمود چنانچه رژیم شاه رفت و قدرت در بلوچستان را قبضه کند. اینطور هم شد بعد از سرنگونی رژیم شاه، اتحادالمسلمین بسا عمیتی بیعت نمود و تمام هم خود را برای بدست آوردن کرسیهای دستگاه بوروکراسی بکار برد. نمایندگان آن به ملاقات عمینی رفتند، در کمیته های ضدانقلاب به خدمت فعال بودند. استناداری هفتم انداریپهسا، مدیریت عامل بهداری، آموزش و پرورش و چند اداره دیگر را تا چند صیامی بخود اختصاص دادند و چنان به آن چسبیدند که گویی به

نهایت آرزوی خود رسیده اند. این عسره بوروکراتها و بورژوازی تجاری و خرده سوره ژوازی سرفه چنان از مقامات حاصله سرمست ضعف بودند که خود عامل مقابله با زحمتکشان بلوچ گردیدند. ولوی عبدالعزیز رسا از مردم دعوت نمود تا به فرمان امام گردن نهند. تمام اعتراضات اتحادالمسلمین تا حدود بدست آوردن مقام در دستگاه خلاصه میشده اینها حتی برای کوچکترین رفرم و آزادی بیشتر مبارزه نمی کردند.

پس می بینیم که بعلمت عدم رعد نیروهای مولد (ابزار تولید و نیروی تولید) و خصوصیت ویژه بورژوازی بلوچ مبارزه ای انجام یافته و منظم علیه ستم ملی صورت نگرفته است. این وظیفه هم اکنون بحکم تاریخ برعهده پرولتاریا سرتاسری و زحمتکشان بلوچ نعد رهبری پرولتاریای ایران قرار دارد.

ما دارد، گفته ای از مبارزات پراکنده زحمتکشان بلوچ را با مختصر بیان کنیم. مبارزات پراکنده ای از طرف خرده بورژوازی فقیر و عنایر صورت گرفته است و اقتدار بالایی و متوسط خرده بورژوازی از نزلزل و ترس و جبن مغرطی برخوردار بوده اند. زحمتکشان سراوان بطور ستمه جمعی در سال ۲۸ اقدام به پائین آوردن پرمچهای شهر سراوان نمودند. طایفه سه بعضی که در منطقه به جمعزائی مشهورند با حکومت پهلوی مبارزاتی داشته اند و بعداً در پی خیانت سرتان آنها به شعبش یعنی کسانیکه شاه بخشیده لقب گرفتند، عمده ترین حرکتی که در بلوچستان صورت گرفت و یازده سال دوام یافت حرکت دانشاء بود. حرکت دانشاء حرکتی دهقانی برعلیه خوانین منطقه بود.

رژیم پهلوی به حمایت از خانها بسه سرکوب حرکت دانشاء پرداخت و دانشاء چون دولت را در حمایت خوانین می یافت میبایست با حاکمیت نیز به ستیز پردازد. این مبارزه بین زحمتکشان عنایر و دهقان و حاکمیت تجلی یافت. دانشاء از حمایت وسیع مردم لاشار برخوردار بود. بلوچها (عنایر) عمدتاً احساسات عمیق ستمگری ملی داشته اند. دانشاء گرچه به کثرت و کار متغول بود، اما با فرهنگ عنایری وداع نگفته بود و برعلیه خوانین و ژاندارها بیاماست، این حرکت چون با آگاهی تسوام نبود مورد بهره برداری جناحی دیگر از خوانین که تا آن زمان در بوروکراسی مقامی نداشت قرار گرفت و در مدد بودند که از آن بفتح خود سود جویند. این خوانین در نهایت دانشاء را وجه المالحه خود با رژیم قرار دادند و کاری را که رژیم در عرض یازده سال مبارزه با دانشاء نتوانسته بود انجام دهد در عرض مدت کمی انجام دادند. آنها دانشاء را خیادانه به کشتن دادند و عمده ای از حوشتان نیز بدست دانشاء کشته شدند، اما خیانتهای آنها به ستم و متعاقباً پستهای وکالت مجلس و اداری و ... را تصاحب نمودند. منظور وقایع نگاری حرکت دانشاء نیست چرا که این وظیفه همراه با تحلیل

میباید با مسائل دیگر و در جانی دیگر بسبب اما آنچه ی که در این میباید اهمیت دارد جنبه ستمگری ملی و طبقاتی مبارزه دانشاء است که هر دو توأم بوده اند و بخصوص اینکه توده های وسیعی از زحمتکشان منطقه از او حمایت مادی و اکثریت توده های بلوچستان از وی حمایت معنوی نمودند. تا جائیکه اینک دانشاء بصورت بطور و تحمیت حماسی درآمد و در سروده ها و اشعار موسیقی جایگاه خاصی دارد. خلاصه آنچه از حرکت و حتی اعتراضات جزئی برعلیه ستمگری ملی وجود داشته از سوی زحمتکشان بوده است. از این وقایع برعلیه دستگاه حاکمه سراوان میتوان ذکر کرد. ولی از آنجائیکه این مبارزات متشکل و توده گیر نبوده است. بهمین مقدار بسنده می کنیم.

در مقطع قیام و بعد از آن در پی بسط مبارزات سرتاسری زحمتکشان ایران برعلیه رژیم پهلوی و تاثیر این مبارزات در منطقه بلوچستان عمده کنبری از روشنفکران به مبارزه جلب شدند. این روشنفکران عمدتاً از نسل جوان در سطح دانش و دانش آموز و کارمند بودند. آنها بیشتر تحت تاثیر جنبه عمومی مبارزاتی مملکت قرار داشتند و از سازمانهای سیاسی حمایت می نمودند. احساسات ستمگری ملی در نهان توده ها میان آنسز زیر خاکستر پنهان مانده است و چنان نند بادی که آنها به التهاب در میاورد و تحریک نماید و شعله ور نماید هنوز نوزیده است. این التهاب نیروی بارها و بارها خود را نشان داده است. بخصوص در مقطع قیام و در پی نیروی پیدایشنگی که بتواند آنها رهبری کند به انتظار نشسته است و این نیرو همانطور که ذکر شد در شرایط فعلی پرولتاریا است. نه بورژوازی. زیرا در این دوران برنامه و برخوردار پرولتاریا و بورژوازی نسبت به مسئله ملی با اندازه دو عمر تاریخی اختلاف دارند. بورژوازی خواستار باقی ماندن در قدرت و سرکوب پرولتاریا میباشد و خواهان وحدت ملتها از طریق سرکوب، الحاق و استعمار ملتهای دیگر و وحدت سرمایه است. برای پرولتاریا اتحاد تمام زحمتکشان ملیتهای مختلف علیه بورژوازی اهمیت دارد. پرولتاریا در جهت استقرار سوسیالیسم و بسط مبارزه طبقاتی حرکت میکند. لذا ضمن هرگونه امتیاز ویژه بر پایه ملیت میباشد. بهمین علت هم مسئله ملی برای پرولتاریا بصورت برابری حقوق تمام ملیتها و حاکم شدن آنها بر ستم ستم خویش تا سرحد جدائی مطرح میباشد. رد حق جدائی و مطرح نشودن آن خدمت به ستمگری ملی است. پرولتاریا دشمن ناسیونالیسم بوده و هرگونه الحاق طلبی و ستمگری ملی و هر گونه نادیده گرفتن مبارزه طبقاتی را همراه سوسیالیسم انحراف از مارکسیسم میدانند و اتحاد کارگران تمام ملل را برای بوجود آوردن یک دولت مقتدر پرولتری و ستمسایه داری بالاتر از هر چیزی میدانند و باید هر گونه مبارزه ملی و جدائی از نفعه نظر کارگران و انقلاب و سوسیالیسم ارزشیابی خود.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داخلیش

عملیات دو ماهه پیشمرگان قهرمان کردستان

۲۷ تیرماه تا ۲۷ مرداد ماه :

فناشیم بدست آمده		تلفات دشمن		عملیات پیشمرگه	
۱۲۵	دنگ افزار انفرادی	۱۱۱۲	کشته و زخمی	۵۵	کمین و کنترل جاده
۳۶	انواع نارنجک	۱۸	اسرای دشمن	۴۵	مین گذاری
۵	بی سیم	۸۸	خودرو منهدم یا معارضه شده	۵۲	مقابله در برابر یورش رژیم
۳۱-۴	انواع فشنگ	۱	سلاحهای منهدم شده	۱۱	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۵۲	گلوله آر پی سی		مهمات منهدم شده يك آنتنبار ۱۰ مهندوق	۱	حمله به پایگاه
۹	دنگ افزار سنگین و نیمه سنگین			۱۲	معارضه و انهدام تاسیسات
۱۷	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین	۱۱	شهدای پیشمرگه	۴۱	حمله به پایگاهها
۷۱۳	پیوستن قریب خوردگان	۲۲	اهالی بی دفاع	۳۲۷	جمع

۲۷ مرداد تا ۲۷ شهریور ماه :

فناشیم بدست آمده		تلفات دشمن		عملیات پیشمرگه	
۱۹۱	دنگ افزار انفرادی	۷۷۱۲	کشته و زخمی دشمن	۸۹	کمین و کنترل جاده
۲۳۵	انواع نارنجک	۶۷	اسرای دشمن	۳۹	مین گذاری
۱۲	بی سیم	۱۲۴	خودرو منهدم یا معارضه شده	۵۵	مقابله در برابر یورش رژیم
۳۲۷۱۸	انواع فشنگ	۶	سلاحهای منهدم شده	۱۱	حمله به مراکز رژیم در شهرها
۱۴	گلوله آر پی سی		مهمات منهدم شده ۸ مندوق يك آنتنبار	۲	حمله به پایگاه
۲۱	دنگ افزار سنگین و نیمه سنگین			۲	معارضه و انهدام تاسیسات
۲۴	گلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین	۱۶	شهدای پیشمرگه	۳۲	حمله به پایگاهها
۲۰	پیوستن قریب خوردگان	۲۷	اهالی بی دفاع	۲۳۲	جمع

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمنابه سازمانی که از منافع طبقه کارگر ایران و از موضع این طبقه از منافع عموم نوده های زحمتکش دفاع میکند و علیه هرگونه سازشکاری و پشت کردن به آرمانهای مردم پرورم — روح انقلاب را پبشاپیش نوده ها به اعتزاز در آورده است در برابر تمام توطئه ها و اتهامات و سرکوبهای عمال ریسز و درشت طبقه سرمایه داران ایران و امپریالیسم جهانی چون کوه محکم برجای خود ایستاده است — سگدار رهبران جاهلین خلق ندبه و زاری کنند ، سگدار به شیوه های پست و کثیف منوط شوند ، سگدار از آخربس حربه های خود نیسز استفاده کنند ، با دشمنی یا طبقه کارگر و عموم نوده های زحمتکش ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به امپریالیستها تضمین بدهند چیزی جز رسوائی بیشتر عابد آنها نخواهد شد ، و ما همچنان به توفقه و سلاتریدید در میان نوده های مردم سراسر ایران سراقرازتر به مبارزه خود ادامه خواهیم داد .

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
نابود باد امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه داملین
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کمیته خارج از کشور
۸۴/۱۰/۱۷ ۳۳/۷/۲۵

هم میهنان...
بقیه از صفحه ۱۳

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

رهبران مجاهدین خلق

دشمنی با پرولتاریا

نزدیکی به امپریالیسم

امروز گذشت زمان بسیاری از واقعیتها و سمت و سبب موضعگیریها را روشن نموده است در شرایطی که رژیم به خون آغاشی و سفاکی جمهوری اسلامی بر سر کار است رژیم که تمام پهنه کشور را به یک زندان جهنمی و مسوف تبدیل کرده و در هر خانه ای دیو سوك وزارت آذین داده است و تمام رزمندگان از ستم

صفحه ۹

در ستایش کار غیر قانونی

چه شکوهمند است ندای نبرد طیفانی را هر دامن توده را با مانگی رسا و پرطنین نه میدان نبرد گنا نیندن نیروی سرکوبگران را خرد کردن بند از پای توده های تحت ستم برگردان اما چه سخت و چه پر بهره است کارهای کوچک هر روز که مزی را با کار محلی پیگیری گسترانیدن در برابر لوله تفنگ سرمایه داران سخنرانی کردن و سخنران را پنهان کردن فتح کردن و قانعان را پنهان کردن جان سپردن و مرگ را پنهان کردن کیست که برای شهرت در آب و آتش نراند؟ ولی کیست که چنین کند و در گمانی بماند شهرت و نام به عیب می خورد آنان را که می کنند کارهای نظیم و نمایان را قدم پیش گذارید لحظه ای گروه ناشناس که پیوسته آمد چهره تان را تا نثاران کنیم درود و سپاس .. برشت ..



فدائی خلق خسرو مبارکی را در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۶۰ به جوخه های اعدا م سپردند وقتی که بر قامت رسایش جز گلبوته های شکنجه و بر لبانش جز فریاد خلق نبود

یادش گرامی باد



گرامی باد ۱۳ آبان روز دانش آموز

برنامه عمل

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران را بخوانید!

تقویم آبانماه

- ۲ آبانماه عبادت فدائی خلق محمدرضا چمنی ۱۳۵۳
 - ۳ آبانماه عبادت فدائی خلق بیروس سپهری ۱۳۵۰
 - ۴ آبانماه عبادت عبدالرنا ماهیگیر ۱۳۶۱
 - ۵ آبانماه عبادت مریم نژادگانه ۱۳۶۱
 - ۶ آبانماه عبادت جمشید نژادگانه ۱۳۶۱
 - ۷ آبانماه عبادت عزت بهرامی (موسی) ۱۳۶۱
 - ۸ آبانماه عبادت مجید شریفی (هما یون - حجت) ۱۳۶۱
 - ۹ آبانماه عبادت داود نوری ۱۳۶۱
 - ۱۰ آبانماه عبادت مهرا ن محمدی ۱۳۶۱
 - ۱۱ آبانماه عبادت رحیم حدادی ۱۳۵۵
 - ۱۲ آبانماه محسن احمدزاده ۱۳۶۰
 - ۱۳ آبانماه مرتضی فخر المیا علیانی ۱۳۶۰
 - ۱۴ آبانماه (عقیقه سرخ) کشتار خونین سازمان آموزش توسط رژیم شاه سال ۱۳۵۷
 - ۱۵ آبانماه کشتار روستایان استخوان ۱۳۵۹
 - ۱۶ آبانماه عبادت فدائی خلق عثمان کریمی ۱۳۵۹
 - ۱۷ آبانماه عبادت علی اصغر غلامی ۱۳۶۰
 - ۱۸ آبانماه عبادت محمد چشم براه ۱۳۶۰
 - ۱۹ آبانماه سالروز انقلاب کبیر اکتبر در سال ۱۹۱۷ میلادی
 - ۲۰ آبانماه ترور دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه مصدق سال ۱۳۳۳
 - ۲۱ آبانماه عبادت فدائی خلق عالی دهمریفرود ۱۳۵۸
 - ۲۲ آبانماه اعلام استقلال آنگولا سال ۱۹۷۱م
 - ۲۳ آبانماه عبادت فدائی خلق هادی اشکافی ۱۳۵۹
- گرامی باد خاطره سرخ فدائیان شهید در آبانماه

گرامی باد انقلاب کبیر اکتبر

هم میهنان مبارز
قضاوت کنید

صفحه ۱۲

کمکهای مالی دریافت شده

۴۰۰۰ تومان	رئیس صمد
۳۸۰۰ تومان	امین
۴۰۰۰ تومان	مفاتیحی
۳۸۰۰۰ تومان	بیژن - الد
۳۹۰۰۰ تومان	چگوارا

وتی عاقبت دست گریگ کومانی المین حق انت